

## ( لزوم معارف )

( خدمات مدرسه سعادت بوشهر )

یکی از دانشمندان بزرگ : رموده که ماده سعادت هر ممت و روح استقلال هر امت بسته بروج معارف و تعمیم علوم و صنایع است در میان آفات چه بیداری مردم متوط با اوش ترقی و تجارت و توسعه بلدان و بسط مملکت جز بدستداری علم صورت نمی نند -

جهل و دانائ ، دوشد اندک نفوذ نامه بر بی آدم دارند ، اگر یکی از آنها در مملکت شایع گردید ترقی و نزل اهالی آن بقدر شیوع همان میباشد اگر پیش است جمیع افراد آن بیبا و هشیار و در نزاع بقا جلاک و در رقابت ترقی ماهر و زیرک و جیره دست میباشد و جز بشور علم و بینائی پیروی نمینمایند و حوزه اجتمعیه آنان کمالاً مرفه و مقرر و فاقه از آنان دور و سایرین را غرق نمون و احسان خود میسازند بدانسان مهور طرفشان مصون حقوقشان محفوظ و همه بر خور دار و مسعود میباشد - سعادت و کامیابی شان به درجه میرسد که در تهذیب لطفه و خلقت دوره به ادوار آینه خود از دخالت کرده ضعیف و سستی از اولاد خود دور میسازند و آن واحدیک اشارت همه عالم را بشروش تلکراف بیدار و از وقایح آگاه میسازند اما اگر جهل باشد بانسی درجه سستی و منها نفعه نزل خواهند ماند مانند حیوانات درنده همدیگر را می خورد رقابتشان عبارت خواهد بود از هتک سیادت قومیت خود ، و پیروی نمیکند مگر بظلمات سفید همباده حوزه اجتمعیه آنان دچار فقر و فاقه و گرفتار مسکنت و مجساعه و نزد پستترین ملل بگدائی خواهند رفت و هماره اسیر شکنجه خون و گرفتار زنجیر ظالمان و همیشه از شدت بدبختی نغیرشان بیسپان و علی الدوام در محاری و براری بیاطان باین سوی و آن سوی دوانی بنده بکس و سرگردان مانند ما حیران خواهند بود و امروزه در هیچ جای عالم نمونه پست تر از ابراه و ایرانی گمان نداریم از برای توضیح و نمایش اثرات علم و جهل و عالی ترقی نمونه از برای نمودن انقصود جز باروبا و

اروپائی امکان ندارد آنگاه خواهد دید که ( تفاوت ره از کجا است تا یکجا )

امروزه که در تمام اقطار دنیا مدارس و دارالفنونهای لانهسی موسس و برپا است ما در بوشهر چند سال است يك مدرسه ابتدائیه داریم اگر چه تا بحال بد بخانه از طرف دولت برخلاف دول دیگر که حصه عمده از خراج و عشور مملکت صرف بهر ساختن اهالی میباشد عطف توجیهی نشده ولی از همت والا نهیت مؤسس حقیقی دویا یکی و تجار محرم بوشهر در عرض این چند سال خدمات شایان بدائره معارف و حوزه اجتمعیه ابران نموده و تا کنون قریب بصد شاگرد از آن بیرون آمده اند که حاله هر يك سی تومان و چهل تومان واجب دارند و بعضی از آنها که مواج ماشیه از تحصیل دورنان داشته واجب های بیست تومانی الی ده تومان دارند و خدمات این در السعاده اگر چه بواسطه اشکالات مالیه از بدو امتیاح نامحال بی در بی و متوالی و خدمات بلندتر بایران و معارف می کرد ، از این رو ما با کمال احرام مؤسس و کلاه آن را از برای زحماتشان در بر فراری این اساس مقدس تشکر کرده دوام عزت و مزید توفیقانشانرا از خداوند بزرگ میطلبیم و امیدوار هستیم که در ترقی آفت پیش از پیش بذل جهد فرموده موجبات ترقی مردمرا فراهم آورد و نام يك خود را در روزگار یادگار گذارند -

به مرجهت امساله ( جویش یوسال بواسطه شیوع طاعون همه متعلمین باوالدین باطراف فراری شده بودند ) مجلس امتحان شب گردان از ۲۹ ربیع الاول فراهم و در یازدهم ربیع الثانی ختم گردید و در این دوازده روز قریب بدویست و بیجا از اطفال امتحان عربی و فارسی و جنرافی و عقاید و حساب و انگلیسی و فزیک ابتدائی و هندسه ابتدائی وجبر و مقایسه و تعلیمات مدینه داده و معلوم گردید که معلمین در تعلیم آنها سی و دقت بسیار کرده اند وشاهد اینجداگفتار سر برسی کاکس فونسل جنرال دولت انگلیس است که عربی و انگلیسی را امتحان کرده گفت که رقبات شایان کرده اند و جوایز چند که عبارت است از ساعت و مداد طلا و قلم تراش های ممتاز داده اند که در مجلس اعطای جوایز بشاگردانی

آتش بهر تپلو بهر دودمان زند  
 مائش بروزگار چو چنگیز خان دهد  
 هر زنده راز مردوز و غزل و شیخ و شاب  
 منشور مرگ در نفی ناگمان دهد  
 ( گریست باورت صحنه این فریق بین )  
 ( آئین ملک گیری عهد عشق بین )  
 ابرایم شروع بکار خدا کند  
 ایامیان سلوک براه رضا کند  
 احرامیان طریقه حج در خطر فاد  
 اسلامیان فریضه حق را ادا کند  
 کرد عراق گشت خط آهن - جواز  
 زین قطه تا خلیج شاهانها کند  
 سرطاب بشرکت مات فرار کند  
 کیانی بسایه دولت بنا کند  
 زان پیشتر که روس هجوم آورد بطوس  
 يك آهنین حصار برحد بنا کند  
 این خاک پاک گوی ز آهن و ما برد  
 گر جنبشی بجدب جو قبله بنا کند  
 تعمیر راه آهن ایران حق شاست  
 خیزد و باب مشرق کبه و اکفید  
 حجاج چین و هند و پیام و امام را  
 دعوت بسوی آن حرم دلگشا کند  
 از بند بندر عدن و بصره و او هید  
 گلگشت مشهد و نجف و کربلا کند  
 طوف مشاهده تنبک منورات  
 سیر منازل درجات العلی کند  
 سبقت بکوی بادش امیا و نیز  
 سرعت بسوی بارکه کبریا کند  
 آوازه بشارت اسلام در دهید  
 دروازه تجارت اقوام و اکفید  
 هم گنج را کلید ز یولاد پارهها  
 هم بند از حدید پیوند ما کند  
 هم یوسف عزیز وطن را به ریش  
 از جنگل تطاول گرگان و ما کند  
 هر خط آهنی که بنسجیر میکند  
 خلق اسیر پای بزمجیر میکند

### حسب حال زمان

شیدم ز پیری جهان دیده دوش  
 خوش آمد سخنهای پیران بگوش

لایق داده شود حکمران کل بناد و جناب جلالت  
 مآب آقای موثر الدوله هم حضور داشته و تمجید  
 فرمودند -

مخصوصاً وزارت معارف و احوال و امور خاص این مدرسه  
 متوجه ساخته مستندی هستیم که مرحمتاً بذات توجهی  
 فرموده موجبات تسهیل کار قلامزه علیه را فراهم  
 آورد و مانند وزارت معارف ملل و ممالک  
 متمده مبنی توسط وزارت مالیه از برای ان مقرر  
 دارد -

در خانه از خدمات جناب صاحب دانشمند فرزانه  
 آقای آقا شیخ محمد حسین مدیر مدرسه - اادت و رییس  
 معارف کل بنادر تشکر می نمائیم که با وجود هر گونه  
 زحمت تحمل صدمت کرده و تیر زمان عوام بجان  
 گرفته از سعی در پیش رفت این مدرسه کوتاهی نکرده اند

### ادبایات اسلامیة

آن جلوه ها که یاد قدس زخمیان دهد  
 زین پس طرابلس ز نجفشان نشان دهد  
 و نگین نیار او بچنان او مضاف برد  
 خونین بهار او بخزان ارغوان دهد  
 و آهن نشان ریختن خون رنگارنگ  
 کاهش خبز سوختن خامان دهد  
 در گش شهادت پیش کشکان بخاک  
 موجش تابش روش بسلان دهد  
 بادش هنوز گره گره در گلو کند  
 بادش هنوز بوی ز دود دخان دهد  
 بر مردم خوش چنین جمله چنان  
 تکلیف صد خروش بکروبیان دهد  
 ضرب و شلیک بردگیان در دم فغان  
 درد هزار زخم بساز بیان دهد  
 فریاد خون غنچه زبان و سر نشان  
 انگشت حیرتی بزبان در دهان دهد  
 من بعد از اروپا ایام چنان بود  
 تند جهان بتوب و نوب امان دهد  
 روزی هم بین نوب بیانیان داد  
 روزی هم بین ایام پارانیان دهد  
 خود را شمرده اند بی آن ولی عصر  
 سکورا مسیح سلطنت آسمان دهد  
 در اوث اوست ارض بهرجا قدم دهد  
 باید که داد قهر بدان خاکدان دهد

همی گفت بانو جوانی عزیز  
 که ای صاحب رای عقل تمیز  
 سر این ملک جای دایران بد است  
 کتاف پلنگان و شیران بد است  
 همه شهریاران گردن فراز  
 همه بهلوانان جوشن گداز  
 کند عدل بیبوع احسان همه  
 کند جنگ چون شیر غران همه  
 بشمشیر تیز و نگرز و سنان  
 گرفتند گیتی و کردند امان  
 بد از هولشان دشمن اندر هراس  
 مجازات می یافت هر ناپاس  
 کجا شد فریدون دل تابناک  
 که رد از جهان ظلم ضحاک  
 کجا کیتباد آسکه در روز جنگ  
 ستد باز ایراف ز بور پشنگ  
 جو کیخسرو آن شهریار گزین  
 که بنمود تسخیر ایران زمین  
 کجا بمن آن شاه شاهنشاهان  
 که بگرفت یک نیمه این جهان  
 کجا دار یوش و کجا ارد شیر  
 کجا شهریار آفاق گیر  
 کجا رستم و سام و با زال زر  
 جو کوردوز و رهام و قارن دگر  
 کجا شاه عادل اوشیروان  
 که از عدل فرمود روشن روان  
 ملک شاه ساجوق آن راد مرد  
 دگر پادشاهان با حس و درد  
 کجا شاه عباس جنت مکان  
 که داد افتخاریه با ایرانیان  
 کجا نادر آن شهریار جهات  
 که نمود ایران یکی کستان  
 نمودند ایرانیان مفتخر  
 به نزدیک مرا قوم با هوش و فر  
 به عزت همه اهل ایران بدند  
 بهر جا جوانان و پیران بدند  
 بشکی گذشتند جمله سلف  
 پندیم ما ما که پیش الخلف  
 ز شاه گدا و وزیر و امیر

ز شیخ و ز شاب غنی و فقیر  
 نداریم غیر از تقاضی اکتساب  
 تقسیم قطعا ز روز حساب  
 نداریم اندیشه جز غرض  
 نداریم قلبی خلاص از مرض  
 غرض کرده این مملکت را خراب  
 نموده خاقان جگر ما سیلاب  
 جو شیر گرسنه همه در شکار  
 بشارت گری کرده ایم اشتهار  
 عدو زین میان وقت فرصت شتافت  
 دو اسبه سوی مملکت رخن ساخت  
 ز سمت شمالی ایراف به بین  
 بر از لشکر روس آت سر زمین  
 به تبریز کردند بسی ظلمها  
 بدار قاف رفت علاوه ها  
 دگر در خراسان چه پداها  
 نکردند آت کافران دغا  
 آت گنبد باک سلطان دین  
 بیستند توپیر از وه خشم و کین  
 مکانی که بد سجده گاه ملک  
 به بستند اسباب خود یک یک  
 جواهر بشارت ربودند و زر  
 ز گنجینه شاه با داد و فر  
 ستم را از اینگونه بیش از شمار  
 نمودند بر مردم آت دیار  
 بر آتند گز ملک ایرانیان  
 ربایند یک نیهش این زمان  
 وزیران و سردارها و امیر  
 بچاکال قزاق سازد اسیر  
 خرابی نمایند در دین ما  
 برند از میاف باک آتین ما  
 بهرض بناموس ما هر زمان  
 تناول کنند ای بد حال ما  
 ز سوی دگر دولت انگلیس  
 به تدبیر و حيله مکر و دسیس  
 فرستاده لشکر با طراف ملک  
 بهم ساخته دشمن اصناف ملک  
 فکنده یک دیگر آن ابلهان  
 تماشا نماید ز دور آت چنان

که سازند هم دیگر آزرده حال  
 نماند باقی ببرد بی حال  
 پس آنگاه آزرده بی شکست  
 تصرف نمایند این ملک خوش  
 نمایند خوار و زار و ذلیل  
 ندانیم جاسوس را از دلیل  
 هنوز هم بخواب جهالت دریم  
 بگرداب غفلت هنوز اندریم  
 نه در بند ننگ و نه در فکر نام  
 بجز فکر دخل از هر حرام  
 تن ملک کشته مرض بر خطر  
 بضی که گویا شده محض  
 کند مذهب بر این وطن زار زار  
 یکی مارد مهربان زار  
 بگریه می گوید و چشم نم  
 کجایند اولاد شیر او زخم  
 که بیمار ملک مداوا کنند  
 در خیر بر روی خود وا کنند  
 هنوز هم بکف چاره کار هست  
 بگویند که امکات گفتار هست  
 بجوشید این درد ها را دوا  
 نمایند خود از مذلت رها  
 اگر خود ندانید داروی درد  
 بگویم بفریاد با آه سرد  
 که هست این مرض را دوا اتفاق  
 دیگر دور گردیدن است از نفاق  
 نهادن غرض را بگوشه کنسار  
 شوند متفق مردم از هر دیار  
 مهربان و کلمات جمله برنو پر  
 امیر و وزیر و صغیر و کبیر  
 نمایند چنان مؤکد بدن  
 همه شیر مردان ایران زمین  
 کدر بنه بازو کشاید چیت  
 کنند امن این مملکت را نخست  
 که باید پناه بدست عدو  
 نباید ز نا امیش گفتگو  
 پس آنگاه یک رای و یک دل همه  
 شبان شاه باشد رعایا همه

بدفع عدو تیغ کین آخن  
 در این راه مردانه سر باختن  
 نمودن دفاع هجوم آواران  
 ازین مملکت تا نیاید زیان  
 به تجدید کردن بر افراختن  
 بدور جهات سروری ساختن  
 بقانون حق کار بستن بدور  
 زدودن ازین مملکت ظلم و جور  
 منظم نمودن سیاهی جیش  
 بید خواه خود عیش سازد عیش  
 بکعب علوم و قنوت جدید  
 نمایند اقدام سازند مزید  
 بر گوشه مدرسه ساختن  
 صلائی ملک اندر انداختن  
 نمودن بتلمیح مجبور شای  
 با اندازه وسع و مقدر شای  
 یکی حصه از دخل این مرز و بوم  
 نمایند صرف رواج علوم  
 که نو باوگان وطن باعث  
 شوند پاس در مدرسه سر بسر  
 نمایند در کار ملک اهتمام  
 رسانند بر اوج خویش این مقام  
 اگر گفته من نکرد قبول  
 کند آفتاب علونایت افول  
 سرا سر شود کار ملکی سیاه  
 نشانید خود را بروز سیاه  
 بناچار با صد سر افکنند کی  
 پس از سروری کردت بندی  
 ازین بیشتر من نیارم سرود  
 تمام سکوت و فرسنگ درود  
 بر آن کس که بنده بکار این سخن  
 کند نازه این روزگار گمن  
 وگر تا صواب امت این گفته ما  
 بشوی و بوز و نمایش رها  
 از بندر عباس

بموجب خطی که از منبای رسیده و کشانی  
 که آمده اظهار می دارند ضابط

که بمیل و خواهش قونسل همسایه رفتار می نماید کنون یاد آن زمان میکنیم که اگر دو قهره بخواهنش ایشان رفتار می میکرد یک قهره هم رد می نمود و بهر ارض اهالی رسیدگی میکرد و در هنگام اغتشاش خودش حرکت کرد و با استعداد می فرستاد اما حالیه رسوخ و نفوذ همسایه بدو جان مزید شده که میتوان گفت جناب موقرالذوله انگشتر گردان خارجه گردید و چنانچه توصیه اکیده در امانت او امر نونسل گری و تبه خارجه بنایب الحکومه عباسی نیز می نماید و علاوه از این باین همه غارت و جیساول اموال بندگان خدا باز هم اولیای امور اغفال می نمایند چنانچه باین و تیره مدس باقی ماند بی شبه طول نخواهد کشید که جنوب هم حالت شمال را پیدا مینماید - دانایان میدانند که نتیجه این است عاقبت مانند مراکمز خواهیم شد (ایضاً)

بناز حرکت از سمت شمالی عباسی طرف شرق در محال شمیلات الی میناب جاهائیکه اهلش فی الجمله استعداد در بوج اسلحه داشتند خودشانرا محافظت نموده و جاهائیکه استعداد نبود مثل حسن لنگی گزربز و جاهای دیگر بنارت رفت سواره اشراو رفتند طرف میناب اداره کمرک غارت نمودند گویا همتصد تومان پول نقد موجود بوده یک نفر از اجزاء کمرک مقتول و یک نفر مجروح و مدیر کمرک را نیز لغت و اذیت زیاد به او نموده بودند در صورتیکه نشانحه بودند که مدیر کمرک میباشد والا مقتول میشد از توابع میناب از شتر و گوسفند و گاو والاغ و باقی مانده اموال قرا هر چه عایدشان شد بنارت بردند چون عدتقنکی حکومتی قریب ۴۰ نفر در میناب بود بایک قنطاق توپ و توپچی از اهالی نیز همراهی نموده جلوگیری از حمله اشراو کرده قلعه میناب سالم ماند دوسه محل دیگر نیز که خود اهالی استعداد و تقنکی داشتند حفظ خود نمودند اما از سایر جاها آنچه یافتند بردند و مراجعت نموده روانه شدند -

شزهائی که بارخانه مهندسین انگلیسی حل داشت از یکصد نفر شتر در جنگ سابق ۱۸ نفر کشته شده بود باقی ۸۲ نفر شتر و ۵۰ نفر تقنکی و صاحبان مال که از بلوچستان همراه خود آورده بودند و میخواهند مراجعت دهند ۳ یوم قبل از راه دریا

میناب که فرزند نائب الحکومه عباسی باشد با استعدادی که داشته اهالی نیز همراهی نموده جلوگیری از حلات اشراو بنامه میناب و چند پارچه دهات دیگر نموده اشراو غنپ نشسته اند اما بواسطه استعداد قلیل و کثرت اشراو نتوانسته تمام دهات و توابع را محافظه نماید ، لذا هشت قریب از توابع میناب باضماد اداره کمرک بنارت رفته از اناث لیت و مال و دواب از شتر و گوسفند و الاغ و گاو آنچه بوده بردند و مراجعت نمودند قافله قریب ۲۰۰۰ راس الاغ که حامل مال التجاره تجار داخله و خارجه بود بعد از حرکت اشراو از توابع عباسی حرکت نموده ۳۰ نفر تقنکی جهت محافظت از عارف نائب الحکومه همراه آفت ها رفته اند بر خورد کسی نشده نامه منزلی سالم رفته اند که امید وارم که سالم بکرمان هم برسند قافله از ساقه (قوتلو) که حامل کورک و روغن و غالی مال خود شافت بود عازم بندر بوده اند در دو منزلی عباسی بنارت رفته آنچه غالی و روغن داشته اند با الاغ هایشان که ۱۵۰ راس بوده بردند و بعضی از کورکها بر زمین ماند که صاحبان مال از عباسی الاغ کرایه نموده رفته بیاورند - از حرکت جهاز برس پلیس و با مظنری که حضرت حکمران تلگراف نمود بود آری نشد و معلوم نیست حرکت کرده باشد و استعدادی به جهت عباسی رسد بانه نائب الحکومه در حیرت است و با این استعداد قلیل بیشتر از این پیشرفت ندارد اولیای امور نیز در فکر نظم حدود مملکت نیستند و روز بروز بر بهانه اجانب افزوده میشود

الحق در این دو ساله حکمران بنادر موقرالذوله قطماً برض حال رعایای و اهالی عباسی رسید و آنچه عرض حال نمودند بی اثر ماند و گناوت رفته که اشتباه کاری در این قهره نیز مثل سنه سابق با اولیای امور می تون بنماید در صورتی که غارت اموال قری و مال التجاره وغیره - این است که روز بروز رشته نظم مملکت از هم گسیخته میشود و اشراو جری تو و دلیر تر شده غارت اموال بندگان خدا را بیشتر می نمایند و اسباب بهانه همسایه زیاد تر فراهم می آید در سابق نظام از دریا یکی داشتیم



و قوای نظامی میدهد که دود از روزگارشان برآورد  
نه تلگراف قوام الملك بیرحال اشرار رفته در توابع  
جمیع دهات را غارت نموده آتش زدند چون در  
طرف شمالی شهر دیگر چیزی یافتند حرکت نموده  
رفته اند به شیبلاط و میناب باشد دو بوم است خبری  
نرسیده که در آن حدود چه آتشی افروخته باشند  
اگر خبری برسد عرض خواهد شد -

دو سه بوم است باز مذاکره آمدن عده دیگر  
از شرار که فریب هزار نفر می باشند هست زندگی  
حرام شده ، جناب موقرالدوله جناب تلگراف میدهد  
مدیر کسک اجازه گرفتن فنکی به نایب الحکومه نمی  
دند از هیچ طرف شور و سی نیست امر ایران و  
اهالی ایران و تجارت ایران گذشته امروز که ۱۴  
ربیع الثانی و روز عید نوروز میباشد حایه که حرم  
دیدن نایب الحکومه بود یک دفعه خبر دادند سوار رسید  
مجدد در روج ها و خانه ها مسلح و خیال مدافعه نموده  
شایک از اطراف بلند شد چون سوار دور بود عقب  
کشیدند اهالی هوشیار می باشند اما این ترتیب هم گدوان  
نمیشود چون اهالی از طرف جناب موقرالدوله مایوس  
شده و حواشان نرسید دیگر از حالات خرابی خود  
بحضرت والا عین الدوله تلگراف نمودند تا چه جواب  
برسد و چه خیالی فرمایند -

مهندسین انگلیسی هم در عباسی میباشد ، دو  
نور انگلیسی لنگر انداخته عده سولجر و سرباز  
ندری ، توپ از محض حفظ قونول خانه پاده نموده  
شده ، تمام دنار و اوراق و اسناد خود را برداشته  
در شهر گذاشته از هر کدام یک نفر نوکر دوشین  
باقی میباشد ، با اجمال به تعجیرم چه عرض کنم -

( ایضاً از بندر عباس )

بعد از غارت تمام توابع الی میناب و رفتن اشرار  
تلگراف جناب موقرالدوله بنام نایب الحکومه رسید  
که استعداد با جهاز مظنری روانه فنک هر چیز  
لازم باشد از مسقط بخواه هر چند چیزی باقی مانده  
بود در توابع - اما نظر بحراست شهر اهالی  
مشغوف شدند و نیز کتباً در جواب تلگراف  
اهالی مرقوم فرموده بودند که تهیه کامل جبهه حفظ  
و انظم و امنیت بندر عباس دیده انشاء الله بزودی  
روانه خواهم داشت که دیگر مجال ورود اشرار

شتراب و فنکی هادر جہازات بادی حمل نموده  
روانه میناب نمودند که از آنجا از طریق باباب  
روانه شوند دو سه بوم است خبری از سرقت نازده  
نرسیده اما مجدد مذاکره آمدن خورشید خان بهارلو  
با هزار نفر سواره و پیاده مسموع میشود ناچه پیش  
آید ، حکمران بنادر نیز پس از یکماه ورود  
اشرار بحال عباسی و غارت مال التجاره و قوافل و  
دهات و غیره سه بوم قبل تلگراف نموده بود که  
جهاز برسپایس با استعداد عازم است معلوم نیست کی  
رسد ( موش دارو پس از حرکت میباشد ) امیدواریم  
خداوند چشم بینا و گوش شنوای باولایای امور دهد  
که بهتر از این رسیدگی بمملکت و حال رعایا نمایند  
یارب دمای خسته دلان مستجاب کن

( ایضاً )

واقعات حمله اشرار و دفاع از طرف  
اهالی عرض شد - اشرار عقب نشسته  
تا قریب عصر در حوالی عباسی بوده و قریب  
عصر حرکت نموده رفتند و در فرستکی منزل  
نمودند خود شهر عباسی چون استعداد حکومتی  
کم و نمی توان از عمره محافظت شهر برآید محله  
مشهور به محله اوزی که قریب ناکت شهر از طرف  
غربی شهر میباشد بناخواهش خود اهالی حفظ آن  
مفوض نمودشان شد کاس و اهالی و اغلب نجات  
مسلح شب و روز کشیک و پادداری دارند و حفظ  
جان و مال و مایوس خود نموده که اشرار دست  
برد ندارند و ایباب بیاید خارج هر اهرام بیاید ، لایحظه  
فرمائید با اجمال چه قسم میتواند زندگی نمود که  
تجار از لاعلاجی اسلحه برداشته دکان ، انبار تجاری  
بند و دست از کار کشیده مشغول محافظت خودشان  
باشند تلگراف از طرف اهالی به موقرالدوله  
حکمران بنادر شده و نایب الحکومه نیز استعداد خواسته  
و چند فقره تلگراف نموده فعلاً جواب نمیرسد فقط  
جوابی که بنایب الحکومه داده صورت تلگرافی بوده که  
از جناب قوام الملك تمهید به اشرار شده است گویا  
موقرالدوله خیال فرموده توپ کروپ و فنک موزر  
داخل تلگراف میباشد اگر اشرار بهارلو اعتنا بقوام  
داشتند ۴ سال است تمام محصول خود قوام الملك را  
نمیدهند نمیدانم ما ایرانیها تا چه اندازه عقب این  
حرفهاو تلگراف ما گرفته ایم جواب اشرار لشکر مسلح

( صورت تلگرافانی اهالی عباسی بوزیر داخله )  
 طهران - حضرت والا وزیر داخله تلگراف  
 مبارک زیارت ایالت فارس حکومت بنادر پیرایض میبرسند  
 بخلاف تفکیدی عباسی متدرجا روانه بوشهر ، قوافل  
 مالالتجاره توابع تا میناب غارت مجدد خبر حرکت  
 ۲۰۰۰ نفر اشرا رسیدند ناب.قاومت و دفاع مداوم  
 استعداد کامل فوری بود عباسی غارت میشود تجار  
 اهالی عباسی -

فلا همسرقهای متزرفکم و زیاد در نواح میشود  
 ولی کلبه اشرا رفته اند اگر باز عده که خبر حرکت  
 شان رسیده وارد نشوند شاید چند یومی باینقرار بماند  
 اما اگر اولیای اوور فکری جبهه جلو گیری اشرا  
 نمایند روز و روزیتر خواهد شد -

( محاکمه امپراتور آلمان )

( العدل اساس الملك )

هرجا که عدل خدیه زند باوگاه ساز

کین خیمه از سپهرمدور نکوتر است

قارین کرام چهره نما البته از عنوان قوق مستغرب  
 خواهد شد که امپراتور عظیم الشان آلمان و محاکمه  
 آری ؛ اگر چه دول متقدمه اروپا از حرص جهان  
 گیرانه و عزایم و حشبانه يك لك سباه ننگ آمیزی  
 بر صحنه لمیع این عصر تمدن حصر گذاوده ، و از  
 تجاوزات متعدیانه ، و تعدیات غیر عادلانه که در  
 حق اهالی مشرقزمین روا میدارند بکسر معنی عدل  
 و عدالت شعار را از بنود قوانین حقه الهیه محو  
 کرده اند و از هرگونه اجحافات ستمکارانه در پاره  
 دول و ملل مستضعفه ( آسیا ) که محکم ( الحق مع  
 القوه ) است ذره فرو گذاری نکرده ، ولی در داخله  
 ممالک خودشان بادنا رعیتی نمی توانند تجاوز نمایند  
 و حقوق محققه او را باعمال خیال بوالهوسانه و  
 اغراض بلند پروازانه خود کنند -

چنانچه محکومیت و منلویت امپراتور حاضر آلمان  
 بایک از مستاجرین املاک خاصه امپراطوری که از ادنا  
 رعایای دهقانی آلمان بوده مقدمه فوق را تأیید میباید  
 که اصل مرافعه و محکومیت امپراتور آلمان بر سر این  
 مختصر دعوی بوده -

امپراتور آلمان را همچون سایر شاهنشاهان و  
 پادشاهان املاکی خاص بوده که برخی در دست عمال  
 امپراطوری است که حاصل و محصول او را ضبط و

بآن حدود نباشد و فعلاً عده تفکیدی و شبید کار آمد  
 با جہاز هایونی مظفری روانه داشتیم اقدامات نایب  
 احکومه در جلو گیری و دفاع از اشرا شایان تمسین  
 است ، اما افسوس که جہاز مظفری وارد و سوی  
 مدبر گمرک دیگر از استعداد و تفکیدی خبری  
 نبود و این تلگراف و این دستخط با این همه آب  
 و تاب و شدومد آخرش کذب و امید اهالی عباس  
 پوست -

اما چیزی که معلوم میشود نایب الحکومه حق  
 خدمت بخرج داده و حکمران را اغفال کرده  
 و بدیسی است که حکمران هم نیز نظر ببتلگراف  
 و عریضه نایب الحکومه اشتباه کاری باولای امور  
 در طهران خواهد نمود و ایشان را اغفال خواهند  
 کرد که بعرض رعایا نرسند ، این است که اولای  
 امور غافل مانده و رسیدگی نمایند یوما فیوما رجسارت  
 اشرا و بهانه خواجه و خرابی مملکت افزود میشود  
 کاشکی از روی صدق مطالب راه اولیای امور رسیده  
 و مکتوف می داشتند شاید خیالی بهر از این می نمودند  
 ( صورت تلگراف اهالی عباسی بوزارت داخله )  
 طهران - حضرت والا وزیر داخله ، اشرا و عرب  
 و پارلو مهاجم استعداد حکومت قلیل اهالی مدافع  
 توابع و قوافل مالالتجاره غارت شهر مخاصمه استعدادی  
 غور رسی فوری ، اهالی عباسی -

( جواب )

( اهالی عباسی - تلگراف شما با سیم کمپانی  
 رسید - در جلو گیری از مهاجم اشرا و عرب و  
 پارلو محکومت بنادر و ایالت فارس تعلیمات  
 تلگرافی داده شده خاطر شما مطمئن و آسوده باشد  
 که وسائل جلو گیری آن هارا تهیه کرده اند ۱۷ ربیع  
 الثانی نمبر ۲۷ ) ( سلمان عبدالحمید )

این تلگراف اسباب مسرت خاطر اهالی شد اما  
 پس از ورود جہاز مظفری و نبودن استعداد با  
 اینکه موقرالذوله کتبا و تلگرافاً خبر داده بود  
 مابوس و مجدد خبر حرکت اشرا جبهه خود عباسی  
 رسید که خیال غارت شهر را دارند باز مجدد اهالی  
 مجبوراً ۳ یوم قبل باسیم کمپانی تلگراف به طهران  
 نمودند تا چه جواب برسد تلگراف بقرارد ذیل است ،

توپ و فشنگ که در راه است حرکت خواهند نمود و از طرف ایالت خراسان هم سالار خان بلوچ با استعداد لازمه بطرف سبزوار حرکت نموده و همین دو روزه تلافی خواهد شد امید داریم که انشاء الله بتوجهات و اقدامات کاملاً دولتی بزودی در این سفر رفع فائده و شر سالارالدوله شود (آتشاب)

(مکتوب رامهرمز)

آقای سردار جنک پس از ترتیب دادن امورات مختیاری و انتظام راه اصفهان عده فسون بالغ بر هجزار نفر سوار و فنگچی بطرف کوه کوه ازام فروده برآمده آمدند - حاجی رئیس و نصره الملك پسر بزرگ آقای سردار ارفع هم برآمده آمدند احوال منویه اعلی شوشتر که در جنک سال گذشته بتاراج رفته بود محل بحث آمد صاحبان احوال بعضی حاضر و بعضی غایب بودند قرار شد آقای سردار جنک باید که آخرین فتنه قی مختیاری است رفته و آقای سردار ارفع هم در آنجا آمده مدبکر را ملاقات نمایند و صاحبان حال هم حاضر شده ترتیب درستی در استرداد آنها بدهند امیدواریم تلافی سردارین رفع تمام مناقشه مختیاری و عرب و بنجاب

(تلگرافات راجعه به عمانی)

در برتس چنین تصور میشود که بتسلطه قوطری قره طاغ معارضه عالی هیچ گاه قبول نمیشود خواهد نمود چون دولت انگلیس در محصره قره طاغ شده سرویا سر بیچی از مجوزه دول نخواهد نمود چه نمی خواهد حسن نیت انگلستان را در این اقدام مشوب سازد

وزیر خارجه روس حزب دموکرات را در دوما طاب نموده تادو مسلك خارجه روس باآمان تبادل خیال نماید و خبری از دوما وزیر خارجه را اطلاع داده که اگر دموکرات ها شرکت نمایند آنان شرکت در این موضوع نخواهند نمود

و مجلس و کوروت آستریا و قره طاغ روز بروز در از دیاد است چه قنون استریا در قرب سرحد قره طاغ همه روزه مشغول نمایشات جنگی میباشد و این حرکت را قره طاشیان استعمال سیاسی می پندارند

بعضی را امپراطور بنفسه رعایا اجاره میدهد و يك از دهات امپراطوری را يك از رعایا بموعده معینی اجاره میکند و ضمناً میل امپراطور بوده که این ده از سی این دهقان آباد گردد ، پس از چندی امپراطور آلمان ملاحظه مینماید مطابق میل همیونی آن ده آباد نشده آزرده خواطر میگردد و امر میدهد که این دهقان را از آن ده مطرود نمایند دهقان بیرونش میرود و از دست امپراطور بدلیه شکایت و اقامه دعوا میباشد که مدت پنج سال اجاره من باقی است و امپراطور مرا بقوه جبری برانده است (عدلیه) محکمه مینماید وکلای امپراطور و دهقان حاضر میشوند عدلیه پس از رسیدگی حکم میدهد که ملک را تسلیم دهقان دهند و در این محاکمه امپراطور مغلوب میگردد و حکم میشود که مصاریف محکمه را امپراطور بدهد - بنی این است سبب ارتقا و عمران و آبادی و آسایش بلاد و عباد ملک و ملت اروپا که نص ( الملك يتقى مع الكفر . ولا يتقى مع الظلم ) از عمالک ثابت پیداست -

(چهره نما)

راجع بسالارالدوله

از قرار خبر تلگرافی که دیروز رسیده است سالارالدوله با بکده قلیلی سوار دو روز قبل وارد مزینان شده و از آنجا پس از قدری اقامت حرکت نکرد ولی معلوم نشده است که بسمت سبزوار رفته یا بطرف دیگری اگرچه قوای دولتی از هر حیث در این نقاط قبلاً تهبه شده است و جلوگیری از اقدامات او خواهد نمود

از قرار اخبارات وارده گویا سالارالدوله ورود بسبزوار نموده است و يك نفر از اعلی آنجا را بریاست عدلیه سبزوار معرفی نموده و فعلاً در عمارت حکومتی متوقف است - از طرف دولت هم اقدامات سریعه در جلو گیری به عمل آمده است و نیز در این دو روزه تلگرافات عدیده حضوری و غیر حضوری در تمایهات و دستورات لازمه از طرف وزارت عدلیه داخله بشاهزاده امیر اعظم مخیره شده است که سریعا حرکت نموده و جلو گیری نماید و شاهزاده امیر اعظم هم تدارکات لازمه خود را حاضر نموده و فقط منتظر است دادی است که از طهران حرکت داده شده و برسیدن



موجب تلگراف از میر چهاربونیایی را که بر حسب قوانین عرفیه حکومت عثمانی حکم با اعدام داده بود در موقعیکه مرخواستند آنان را ایدار زندان نایان جمعیت نموده همه برده مجرمین را رها کرده اند.

رئیس الوزرای آلمان داکر وان در پاریس بولن من باب ابدانک ساری دول بحث و سرادورد گری وزیر حرجه انگلستان را بسی تمجید کرده است که تمام غلط فہمی ها را از اروپا و خصوصاً آلمان مرتفع داشته . در خصوص قره طاغ بان نمود که باید مجوزہ دول را منظور آید .

وکالت روتر معلوم نموده است که تبدیل ملک امارت بالکان کاملاً در ذمه داری قره طاغ که خودشان را شامل قرار داد مورت حیرت گردیده است.

روز نامه نان فرانسه که از ابتدا مخالف با محاصره قره طاغ بود می گوید که جذبات کایه اروپا بطرف داری قره طاغ است .

جهاز جنگی جدیدی عثمانی وارد بندر سمید گردید بعد از فتح ادویا بویل شکست شدیدی که بلغار در شتالجا یافته مصمم صلح گردیده است . جہود این جنگ دو نوج از اهالی صوفیه نابود شده و افراد آن تمام از بزرگان و بزرگ زادگان شہر بوده اند فقط جوانیکه از سندن و آہنس در باره صلح داده شده خراطر خوانه معلوم می شود .

رہتر اوضاع سیاست بالکان را خوش انجام نمی نداند . مذاکات تسلیم میکنید به نصفه امور جنگ ولی ظاهر نمیدارد که چگونه نصفه پذیر خواهد گردید . قشون سرویا در قرب و آلبانیا ساخلوپان عثمانی تحت امر جنوید پاشا را شکست داده ۱۵۰۰ نفر را اسیر گرفته اند .

جهاز جدیدی عثمانی از بندر گاه سمید حرکت نمید .

سر ادورد گری در پارلیامنت انگلستان تمام وجودی هائیکه علت شمولیت وی در محاصره قره طاغ بود اظهار داشته گفت عمدتاً سبب شرکت ما بر قراری قرار داد های دول است چه برای خود مختاری صوبه البانی بین دول اروپا عهد نامه مخصوص شده دولت انگلیس از این رو با کمال تشکر شرکت در

این معاهده نموده که قوم البانی چه بحسب عنصر و چه از روی مذهب و قومیت مخصوص و جدا گانه اند و همین قسم در معاملات مذهبی شان هم جدا میباشند جنگی که باسم آزادی قومی بود از عرصه دراز مرتفع گردید و جنگ ملی کنونی برای توسعه مملکت است وینا بر آن همدردی که با اقوام بالکار میشد امروزه باید با البانیها بشود سقوط طره را تسلیم آنان داریم و از این رو بود که دولت انگلیس با دول سازه در دستخط نمودن معاهده من باب البانی هیچ گونه تاملی نمود ، این عهد نامه بعد از کوشش بسیار و زحمات زیاد سیاسیون بسته آمده است .

بنا بر این عهد نامه اراضی وسیعاً ما و رای سقوط طره علیحدہ شده که بین قره طاغ و سرویا تقسیم شود و همین نمره فتوحات آنان قرار داده شده است ، سرادورد گری این نکته را بقوت بیانت نمود که برای برقراری صلح و امنیت پای بندی باین معاهده اشد ضرورت را پیدا نموده

است . در آخر نطق خود بموقعیکه صدا های تمجید از هر طرف پارلمان بلند بود اظهار داشت که این معاهده عین آزادی و قوم شناسی است و برقراری امنیت در اروپا منحصر بر این است که دول پای بندی خود شان را در این معاهده مسلم قرار دهند .

در روسیه عہدہ منقذ و اظهار آزادی قومی و نوع خواهی نموده در مقابل قونسولخانه ها اظهار نظم و خواشن که بدول استغافه کنند که امارات بالکان که در آزادی قوم اسلاو کوشان گردیده زحمات شان را بی او نگذارند و در تالار ملی ( کیف ) جمعیت نموده به الحان ملی ترانه ها سروده اند .

در موقعیکه قوانین قشونی را وزیر جنگ آلمان به پارلمان پیش می نمود اظهار داشت که اگر وقتی در اروپا عاین قوم اسلاو و ملت آلمان جنگ پیش آید آلمانی ها در نقصان خواهند بود چه اسلاویان در زیر و بالا نمودن حکومت عثمانی دقیقه فرو گذار نموده اند اتحاد آلمان با روس صمیمانه بودولی فتوحات بالکانیان قوم اسلاو را خیلی قوت و مزیت بخشیده در مواقع صلح باید ترقیات قومی را هم مد نظر گرفت ، تعلقات آلمان و فرانس هم در میان

ترا و مبدیا) حکم شده که بجانب مشرق حرکت نمایند -

روتر معلوم نموده است که دول اروپا تقسیم نموده اند و مبدیان را که بلغار در خصوص سرحد از اینوس تا مبدیا پیش نموده بود و تصحیح جزایر بحر سفید را برای آینده محفوظ گذاردند و پس از غور و تأمل جزیره را به یونان تسلیم خواهند داد. مسئله توان جنگ در کانفرانس صلح در پاریس پیش خواهد شد -

اشاعه خبر بند نمودن فرستادن کک از طرف سرویه به قره طاق مورد تسلیم ارباب حل و عقد و بانه گردیده است -

در پترسبرگ بحایه قوم اسلاو حکم شده است که نه بازارها را بند نمایند و نه در کوچه و معابر عمومی اجتمع کنند چنان گفته میشود که این حکم برای یکبه رعایای روس است و هر کس تخلف ورزد سزا یاب خواهد گردید -

در پترسبرگ بنا بهم دردی قره طاق مجمع بزرگی منعقد خواهد گردید -

در سرحد روس و استریا (اوس) کلیسای عظیم الشانی یادگار حضرت مریم موجود است بملاحظه جنین صد ساله آن کشیش روسی قصد رفتن بدانجا را داشت چون منافقات استریا و روس در میان بود حسب الامر امپراطور روس رئیس کشیشان پترسبرگ حکم نمود که کشیش مخصوص بدانجا رفته تا ببادا نزد انقلاب پس آید -

تقریری را که رئیس الوزرای آلمان رجستار و خلاف تقویت یافتن قوم اسلاو و فرانس نموده بود مورد نکته جینی - سخت جرائد پترسبرگ و پاریس گردیده علاوه بر این اخبارات الانی هم با منتهای شدت بر تقریر وزیر موصوف نقادی نموده -

دمم اپریل رئیس الوزرای آلمان تقریر خود را تغییر نموده رفع غلط فہمی کرده اظهار داشته است که منافع قوم اسلاو و آلمان هیچگونه تضدی باهم دیگر ندارند و علاوه بر این اینگونه غلط فہمی مانع با مسلک آلمان که بادوستی روس توأم است میباشد و همین نکته مرا وادار نمود تجدید بیانات خود -

در خونیایا که واقع شمال غربی بر قفقاز اطراف

دو جبهه اتحاد است منقین میدارم که قوم فرانسه بادوستی آلمان می خواهند در منہا دو جبهه امنیت زندگان نمایند چون جذبات قومی فرانسه ترقی نموده ازین رو توجهات جنگی آلمان را بنظر نیک بینی نمی نگردند و برخی از خوش مذاقهای فرانسه شکست ترکان را با اندازه خوش معلوم گردیده گویا آلمان شکست یافته است و مستقبل آلمان از این تصورات بخوبی معلوم تواند گردید - آلمان برای برقراری حیثیت استقلالیه خود باید مستعد جنگ از دو طرف گردد دولت آلمان نه از این رو قوانین جنگی را پیش نموده که خواستار جنگ است فقط برای برقرار داشتن امنیت عمومی چنین صلاح دیده است و قتیکه اصول جنگی ما مانند قوانین اجرا ماند امنیت کامل کافی السابق بر قرار تواند ماند -

پادشاه قره طاق تصحیح نموده است که اگر دول اروپا برخلاف قره طاق اعلان اقدام نمایند از سلطنت دست کشیده و از آن بد قره طاق مانع و شامله سرویه نماید -

جهازات قفاله سرویه شروع به حن قشون از سواحل البانی نموده و این امر خیلی اطمینان بخش گردیده است -

جوانی را که دول اروپا به امارات بالکان داده اند سفرای دول کاملاً تصحیح نموده اند و ایقان میرود که دول اروپا را هیچ گونه تبدیل در خیالات پیش نیامده است و پس از رسیدن جراب قفلاً کوشش خواهد شد که جنگ خانم بظرد در حلقه سیاستون گفته میشود که امارات بالکان در مصالحه صلحیه رو باعتدال نیساده قره طاق هم بمعاوضه عالی از سقوطی صرف نظر خواهد نمود -

مخبر روتر معلوم نموده است که بین استواری و دریای درین محاصره بحری دول بر قره طاق محدود خواهد بود -

بست هزار قشون مستحفظ صوفیه امر شده که ترک سلاح جنگ گویند -

حکومت قره طاق از استریا جواب طلب نموده است که چرا اموالیکه به قره طاق می آمده جلو گیری کرده اند -

دو جهازات کرو زابر انگلیس (سوک اف او

غرب است دولت ایتالی بتایید جہازات جنگی قشون  
یادہ و امراپ مقابلہ نموده بواسطہ طوفان دریا یک  
جہاز ایتالی زیر وبالا شدہ یک افسر و ۱۶ سہامیان  
بحری مفروق آمدند -

داکتر دو صدر پارلمان بلنار و رئیس هیئت صاحبہ  
بلغارستان ۱۲ اپریل وکلای شورای ملی بلغارستان  
وا مخاطب ساحتہ چنین بیان نموده است کہ بلغارستان  
از روی قسمت ذرہ از حلیضہای خود کمتر حصہ  
حاصل نتواند نمود با سرویا آنچه معاہدہ وقفہ با  
ملتہای سخت پای بند خواہیم بود در عہدی ہم کہ  
با یونان شدہ مخصوصاً ذکر وقفہ است کہ ہر یک اتحادیون  
باندازہ تقصبات نفوسی خودشان از ممالک مفتوحہ  
بالکان حصہ خواہند گرفت و من امید می نمایم کہ  
مذاہدین بالکان تجاوز از مواد عہد نامجات نمودہ و منجر  
بخون ریزی و جنگ نشود و امریکہ منافی با اغراض  
و مقاصد بلنار گردد سرتکب نخواہند کردید -

بر حسب نگارش جراید اروپا ہر یک از امارات  
بلنار و یونان برای اثبات حقیقت خودشان بر سلاویک  
جداً اجتماعات قشونی می نمایند و غالباً ہمین گونہ  
مصیبت ہم بین بلنار و سرویا بر سر تقسیم مناسب  
پیش خواہد آمد -

بر حسب اعلان کہ وزیر خارجہ روس در این  
سیرک اثناء نمودہ ظاہر میشود کہ صلح در ہر شہ  
یک ہفتہ انجام پذیر خواہد گردید ، سیاسیون این  
اعلان وزیر خارجہ روس را خیلی بحسب و بموقع  
نصویرہ میکنند -

از اینکہ سر انوردگری وزیر خارجہ انگلستان  
و سفیر کبیر فرانس روانہ پاریس شدہ معلوم میشود  
کہ مامولات صلح با اساس محکم پایدار گردیدہ است  
تا بر اینکہ بولیس پارسپرک اجتماعیکہ در ۱۱  
اپریل بنسب و بحمایہ قوم اسلاو بشود جلو گیری  
نمودہ مقررن در دوامی روس با ملتہای سختی ازین  
حرکت موخضہ نمودہ اندہ

دول اروپا بہ جواب بلغار و رمیات وی را کہ در  
خصوص سرحد از اینوس نامدیا پیش نمودہ بود  
منظور نمود و تصفیہ جزایر بحر سفید را برای  
خودشان محفوظ داشته اند از این جزائر بسیاری  
را پس از غور و نامل بہ یونان خواہند سپرد ، در

خصوص تاوین جنگ نول جواب دادہ اند کہ این  
مسئلہ بہ کمیونیستک در پاریس منعقد شدہ حوالہ  
خواہد شد در آخر این مکتوب بہ امارات بالکان  
نصیحت شدہ است در موقوفی جنگ -

بر حسب تلگراف ۱۰ اپریل کہ سرویا بتاییدات  
قشونی خود را از قرہ طاع باز داشتہ اظهار امید  
واری در ویانہ میشود و گمان میشود کہ مسئلہ سقوط  
از این اقدام سرویا بزودی حل شود -

در کابینہای قازان کہ مخصوص است برای طلب  
رحمت بر مردہگان بحمایہ قرہ طاع قرار یافتہ مجمع  
بزرگی از قوم اسلاو بشود دولت روس در پترسبرگ  
اینگونہ اجتماعات را عانت نمودہ پلیس ہم سخت  
عانت می نمایند

از طرف وزارت خارجہ روس در پترسبرگ  
اعلانی شایع یافتہ کہ غرض اصلی روس این بود کہ  
امارات بالکان از فتوحات خودشان نمرات لازمہ را  
بہ جیتند و این مسئلہ پیچیدہ با ملتہای درجہ سی و

مراسلات حاصل آمد ، روس میدان را برای قوم اسلاو  
مخصوص ساختہ در خصوص سقوط قرہ طاع حفظ نظامیت  
چنین صلاح دانست کہ جزء البانی قرار گیرد ، جہ  
بواسطہ شہر سقوط قرہ کہ جایگاہ یک کشیش روس  
است صلح را بر باد نمودن خلاف سیاست و

مصداقت است علاوہ بر این وائیس قونسول روس  
خبر دادہ با اینکہ قرہ طاغیان قومی جنگجو میباشند  
معذالک قابلیت آن را ندارند کہ چند ہزار البانی  
ہائیکہ از ۲۵ سال بایشتر در سقوط قرہ قیام نمودہ

اند وام خود سازند علاوہ بر این اگر سقوط قرہ ہم  
ببعضہ قرہ طاع آید کہ دارای ۱۰۰۰۰۰۰ نفوس است باید  
گفت کہ قرہ طاع دارای یک حصہ از البانی شدہ

است ( یعنی قرہ طاغیان مقدر بر این نیستند کہ آن  
صوبہ را از حیثیت قومی خود خارج سازند ) بہر  
حال پادشاہ بلنار از نصائح روس متبہ نشدہ صرف  
نظر از تسخیر سقوط قرہ نمودہ است و حال آنکہ

دولت روس در ہر موقع از تأییدات مفیدہ قرہ طاع  
باز بیامدہ معلوم میشود کہ شاہ لکولس سعی بر این  
امر بودہ کہ دولت روس را در چنین موقع نازکی  
مبتلا بہ یک جنگ سخت دول اروپا سازد و این

امر موبدأ برای دولت روس شایستہ و مناسب نبود

با آلمان رابطه اتحاد قائم است و فقط امارت رومانی در بالکان امارتی است که به ضایع دول وقتسار نموده شریک خونریزی نگردیده است

دولت عثمانی اگرچه در این جنگ مجروح شده ولی با عزت بجات خواهد یافت و در ممالک آسیای خود که خیلی وسیع و قابل ترقی است اساس دولت خود را محکم تواند نمود

دولت آلمان کمال تأیید و بتسلیمی در اروپا نمود اینک امید است بمهربانی دول مشرقیها در ممالک اشبانی خود مسترح ماند

بر حسب تلگراف اسلامبول اشاعه خبر التوای جنگ بین عثمانی و امارات بالکان قبل از وقت بوده فقط بین بلغار و عثمانی گفتگوی التوای جنگ شده امید است که عنقریب صحت تکمیل پذیرد

همینکه قشون ایتالی و مجامدین عرب در قریه رحمن واقع طرابلس غرب جنگ پیش آمد ۲۰ سپاه و ۱۲ افسر ایتالی نابود گردیدند لزان بعد ۱۱ اپریل مجدداً ۳ فوج قشون ایتالی حمله قریه مذکوره آورده بازم پس از ۶۰۰ نقصان سپاه و ۲۰ افسر فرار کردند مجامدین عرب توپخانه و ذخائر و قور خانه آنها را شلیت گرفتند و در این جنگ فقط ۱۵۰ عرب مضحل و ۹۰ مجروح گردیدند

۱۴ - اپریل قبائل مختلفه عرب بر زواره حمله رده ۲۰۰ نفر ایتالی را هلاک و تنگم زیاد گرفته اند از این بعد بین قشون ایتالی و قشون افریقای او آتش مخالفت افروخته آید از طرفین بی بیخاک اوتاد ناچار وزارت جنگ ایتالی همه از این قشون را طلب کرده و وعده داده است که ما بقی را هم طلب - نماید تا اکنون قشون ایتالی در توشه سواحل جزیره نتوانسته اند با این همه تدابیرودان رشوه بشیوخ عرب بداخله طرابلس عرب قدم گذارند

باز هم در آخر این مراسم رسمی اظهار شده که آئین قدیم مانع از حکمیت دول و برقرار داشتن جنگ خونخوار هیچگونه فایده برای او تصور نیست ولی روس تا اکنون امید خود را منقطع ناساخته که قریه مانع از لجاجت و ضدیت باز آمده حکمیت دول را در باره سقوطه منظور نماید که دستجهازات جنگی دول برای اجرای این حکم موجود است البته هرگاه قریه طایغ حکمیت دول را منظور نماید دول هم چشم شفقت از او باز نداشته مراعات و ملاحظه قریبان هائیکه در سقوطه داده خواهند نمود در این مراسم مندرج است که امارات بالکان که هستی شان بواسطه برکات روس است باید بدانند حسب کنونی آلمان باقی نماید جز با اتحاد و اتفاق با یکدیگر و با دولت روس برای قوم اسلاوو و مخالفت با اقوام دیگر نخواهد نمود -

روز نامجات بلگرید بالاتفاق می نویسند که در مسئله سقوطه سرویا تأیید خود را از قریه طایغ مرتفع داشته و بهین مناسبت مجلس تجارت سرویا اعلان برای ترک خرید و فروش امته اشاعه داده و بنگها متحجم شده اند که ناوقتیکه اسزیا از مسلک خصومت کارانه خود باز نیاید پول بکسی که در ترویج تجارت اسزیا می گویند ندهند -

بر حسب تلگرافیک ۱۵ اپریل از لندن رسیده بین عثمانی و امارات بالکان برای ده روز التوای جنگ شده است قریه مانع رسا تذب نموده است اشاعاتیکه در حراند داده شده که چون سرویا از تأییدات قشونی وی گذاره جسته او نیز از دعاوی خویش بر سقوطه دست بردار گردیده است دولت قریه طایغ بیان میکند که تمام این بیانات کذب محض و فقط در جلوتیک قریه قاهره تسلیم تواند شد - ولی پس از اینکه جریهای خون جاری شود

وزیر خارجه آلمان در رجستانک بیان نمود در مقامات بلغار و رومان تا جئیکه امکان داشت به مراسلات تأیید بلغار شده چه از دیر باز بین رومانی



بر حسب تلگراف ۱۶ اپریل از سنجی پایتخت قره طاغ دولت مشار الہا نمایندگان خود را رسماً اعلان نموده که دولت قره طاغ در مقابل اینہمہ خوربزی معاوضہ مالی بوض سقوطرہ رضا نخواهد داد کہ این امر بر شرف و عزت تاریخی ملت قره طاغ لکہ وارد تواند آورد و مات قره ماغ چشم لڑ سقوطرہ نتواند پوشانید مگر در مقابلہ یک فوۃ قاصرہ -

اخبار توپیون ایتالی می نویسند کہ دولت ایتالی تمام قوای خود را صرف خواہد نمود کہ جزایر و سواحل ذیل ملحق بہ یونان نگردد و این جزایر و سواحل از این قرار است - الینس ، سوم آہرس ، جیموس ، منلیق ، کوس رودس و سواحل بحیرہ ادویانک -

بر حسب معلومات رکالت روزر وکلای صلحیہ عانی و امارات بالکاف عنقریب تعیین و بلندن خواهند آمد -

### تکرافات مہمہ

پادشاہ و ملکہ انگلستان برای ملاحظہ قورخانہ تشریف بردہ سپس بملاحظہ سان قشون بر دلوج رفتہ و ادارہ مالی لشکری را مذاقہ فرمودہ در جواب خطابہ تبریک ورود اظہار داشته اند کہ ما کمال اہمیت را باین ادارہ میدہیم کہ در حفظ - نظمت و مدافعات ملیہ منہا درجہ دقت را نمودہ اند -

بر سرحد برمه سپاہیان چینی بر دستہ از قشون انگلیس حملہ نمود قشون انگلیس آنان را عقب نشاند -

در سرحد افغانستان خانہ وزیری مجدداً اظہار مخالفت نمودہ برخی یابی گریہا ابراز دادہ قشون انگلیس بر کوبی آنان مامور و مجبور بہ اطاعت ساختہ اند -

دو خالتیکہ پادشاہ اسپانیا سوارہ از نزدیک بک اسپین عبور مینمود یکی از میان جماعت خارج شدہ بہ پادشاہ شاہ الفان سو حملہ بردہ چند شلیک پالیورور نمودہ باد شاہ فوراً چندم قدم اسیب

خود را عقب بردہ کلوہ بر سینہ اسب چلی گرفتہ ازان بند یکی از بوسہا بک حاضر بود خود را بروی مرتکب انداختہ و برا گرفتہ مرتکب در آن بین دو تیر لیور ور بر بولیس مذکور شلیک نمود در این نامک جماعت بکمک بولیس رسیدہ مرتکب را سخت گرفتہ زدو کوبی نمودند ہمینکہ اعالی دانشند پادشاہ و آسیبی نرسیدہ آوازہ را بمسرت بلند ساختند و از کثرت شوق بعضی بولیس مذکور را بدوش خود گرفتہ روانہ کردیدند درکہ در زامہ باد شاہ اینار ضس نمودہ بود

پادشاہ افسو کہ از تماشاہ مشق قشون عودت می نمود پس از آن واقعہ یکسیرہ بہارت سلطنتی رفتہ واقعات را بملکہ اظہار داشتہ از این رو مردم بدور ہمارت سلطنتی آمدہ بملاقہ پادشاہ اظہار مسرت میندودند پادشاہ و ملکہ قصر بالا رفتہ جواب تہنیت مردم و اباشارات دادند در این موقع پیش از پیش اعالی از سلامتی پادشاہ اظہار مسرت نمودند مسو بانکا رئیس جہوری فرانس داردلندن گردید

رئیس جہورای فرانس سہ روز در قصر سنکگہم مہان پدشاہ و ملکہ انگلستان خواہند بود و این ملاقات از این رو اہمیت میدہند کہ اتحاد فرانس و انگلیس پیش از پیش مستحکم خواہد گردید اعالی فرانسه این ملاقات رسمی را خیلی اہمیت میدہند بیش از باین مناسبت کہ در مئی ماہ آئندہ جارج پنجم رونق افروز برنس ہم خواہند گردید

### ( تکرافات راجعہ ایران )

بر حسب تلگراف طهران وزیر مختار انگریز ۳ ملیون روبیہ بدولت ایران داد و سنیر روس ہم ۳ ملیون روبیہ چند روز پیش دادہ بود این وجوہ باختیار خزانہ دار کل صرف خواہد شد بمناسبت توازن دہ قواء قرار بر این شدہ ہر استقراضیکہ بدولت ایران دادہ شود باید بالنصفہ روس و انگلیس حصہ گیرند



التین کلک

کالج امتریت  
HAB GIMATINOM  
L. MEDICAL COLLEGE  
CALCUTTA

امور اداره بامدر  
پدالاسلام است  
در شبه طبع  
سه شنبه توزیع میشود  
بوم دوشنبه

# المنتانک

( قیمت اشتراک )

سالانه — شش ماهه

هند و برمه

۱۲ روپه — ۷ روپه

ایران و افغانستان

۴۰ قمران — ۲۵ قمران

عمانی و مصر

۵ مجیدی — ۳ مجیدی

اروپا و چین —

نامه مقدس

۲۷ جالاول ۱۳۳۱ هجری

سنة ۱۳۱۱

۳۰ فرانک — ۱۶ فرانک

مصادف با

مراسلات مخصوص بدون امضای

روس و ترکستان

۱۹۱۳ میلادی

(معروف اداره درج نمیشود)

۱۰ منات — ۶ منات

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود

( مقالات علم المنفعة مشمول بدر انتشارش اداره آزادست )

## عمانی - امارت بالکان

در شماره های قبل اشاره نموده بودیم که پس از فتح ادویا بویل جنگ بین عمانی و اارات بالکن رخاغه بابدانست. تاگراقت ابن اسبوع هم نطاه جنگ و دلالت مینماید چنانچه ده روزه التوای جنگ بین عمانی و بلغار امضا و ژان بدم توسعه یافت. اگر چه امروزه فقط میدات جنگ بین عمانی و بلغار آن هم در شتالجه و جزیره عمای گای بولی محدود است - ولی نظر بنامه اتحادیه امارات بالکان بایستی توام اتوا نام جنگ امضا نمایند ولی در این التوای جنگ فقط عمانی و بلغار طرف بوده - این است که سیاسیون بک عاقبت و خبی بداز صلح باعمانی بین امارات بالکان ملاحظه مینمایند. و می بیند اوند که چون مناقشات امارات بالکان بالا گرفته از یک طرف سرویا در مقدونیا از طرف دیگر یونان در سلاویک بر ضد منافع بلغار حرکت جدی داشته بلغار ابواب چاره دار خود مسدود یافته به التوای جنگ باعمانی مجبور گردید. و اینک هر یک از امارات بالکان رقابت و غلبه بر آن دیگر مهمم به تحشیدات قشون گردیده است. پیش از همه چیز یکاتی سیاست بالکان را مکتور داشته ما افراه سازش استبدادنا سردار قشون عمان است با قره طاغ و بیرون بردن قشون خویش است از سقوطه و اعلان سلطنت بخود تحت بیرق عمانی است. به این دسینه قشون قره طاغ را در سقوطه گردیده و اسامه پاشا با اعزازات

لشکری از شهر بیرون شد آتیرا جدا اباده که باید قره طاغ سقوطه را نخبه نماید و اگر دول عمانی نمایند بک تنه به قبضه سقوطه خواهد پرداخت. نکته انجاست که آسزیا را تا این بود که امارت البانی آزاد و در معانعت حایه و خود وی بر قرار و پس از سالی چند مانند هر سک و بوسینا به الحاقش بردازد. و یکی که تازه میخواهند پیش آورند به تنها قبضه آینده آسزیا را از البانی مرتفع میدارد - بلکه مورث اعدام خود موجوده وی هم در البانی میگردد - این است که میخواهد تیری که از شصتسرها شده بازگرداند بسیاری از سیاسیون دانا را عقیده این است که فعلاً دیپلوماسی روس بر انگلیس و آسزیا غلبه جسته تا بعد چه پیش آید زیرا انگلیسان سعی بوده و هستند فریدباشارا که همه گونه حای پلتیک خود شناخته اند و تازه هم باشاره انگلیس دست خدیو را در چنین موقع نازک برای پسرش ازدواج کرده به پادشاهی البانی بر کارند. چه اصلاً خدیو از البانی یعنی جد ایشان محمد علی پاشا که مؤسس حکومت خانواهم مکتونی مراست او ناؤد بوده در حقیقت انگلیسان سعی بودند که معاً حکومت از ناؤدستان را با مصر توام قرار دهند و این امر برای سیاست آینده انگلیس خیلی مفید و مهم بود و اسماعیل کمال هم که چند ماه قبل بدعوی امارت البانی برخاست و هیئت زاب دوز با زبول فرستاد به تحریکات سری انگلیس و مقدمه خیال او بود -

آستریا سی داشت که پادشاه البانی از شاهزاده گان يك دوات كوچك انتخاب شده و تجویز و تحريك او باشد تا در آینده بتواند تدریجاً آن مقاصد سیاسی خویش را از پیش به برد و مقصود دولت مافی باخیالات آید و روس بود از این رو چنان می بیند که فرقه مانعاً و اداره سازش باسد پاشا بوده این نیرنگ جدید را بری کار آورد از طرف دیگر هم بدستای سیاسی انقلاب در عرسک و یوسینا تولید نمودند آستریا و متعین دانستند بیکه بتواند حثك مراد را در البان بجهاند این است که آستریا در عرسک و یوسینا به قانون عرفی حکم داده حداً به هدید فرقه مانعاً پرداخته است تا کتون کاترانس سفرا در لندن کباب شده در رفع مائشکات را نتوانسته بناید ولی هنوز با روس نگردیده اند آنچه از قرآن سیاسیبه ظاهر میشود اگر آستریا و حایف وی آلمان آماده بحواب و قیای خود نگردد یا بیارت ساده مستعد حثك نشده بگذارند که رنبا بسار مفضی الرام شوند باید گفت که اتحاد تلامه برای همیشه محروم از ترقیات گردیده چه بسی اتناق مثلث میان شرق و غرب را بر آنها بسته که بهیچ نقطه بال و بر زدن آلمان را در آینده میسر نتواند آید فقط نقطه که در آند خیل امید ترقیات آلمان میرفت همانا ایران و آسیای صغیر عثمانی بود اما در ایرات آلمان خیل عقب او قنادو گمان می رود که در آینده نزدیک بتواند حفظ منافع اقتصادی و سیاسی خود را بناید ، در آسیای صغیر که از حالا روس و فرانس و انگلیس دارند جلو گیری از نفوذ آلمان می نمایند ، میاهوی خود انتظامی مراب های شامیت و ارمانه عثمانی دال است به اینکه دست روس و فرانس شامل است و بمجرد بیکه سسته بالکات خانه پذیرفته مواد صلحیه انجام گیرد از چهار جانب ممالک عثمانی آوازه انقلاب و خواست خود انتظامی بلند خواهند نمود اگرچه آلمان تصریح نموده است به حایه آستریا در موقع حثك ولی ابطال از ترقیات آستریا چندان خوشنود نیست ولو شامل در اتحاد تلامه می باشد متناً چندان با حلیف های خود همراه دیده نمیشود باین هم چون آلمان و

آستریا میدانند که اگر در این میدان از وقیای خود شکست یافته خواه نخواه در آتیه زبردست خواهند شد ازین ژو گمان میروو که زبر بار چنین مذاتی برود و اگر فرقه مانعاً بحیالات آستریا همراه نشود و سر تسلیم خم نکند ممکن است و منجر بحثك گردد و گمان نمیرد اگر حثك پیش آید روس بحبور بحایه نالکابسان و آلمان ناچار بحایه آستریا نگردد و اگر چنین جنگی پیش آید ، روس و آلمان تا چندی مجبور به خود سازی و خود آرائی خواهند گردید و انگلیس و فرانس تا فراغت بال بر ترقیات خویش خواهند پرداخت فعلا که نشه سیاسی بر خلاف آلمان و بررم انگلستان شده مانع بود چه پیش آید

ترجمه کاندید مستر لنج رئیس کمیته پارلمان

( ایرات از روز نامه تلیمس ۲۱ مارس )

خیلی کرده میدانم بحوابی که سر ادوردگری در ۱۸ مارس در پارلمان بهسؤالات همه راجع بایران داد ایراد تیری کرده باشم مخصوصاً این اصمندان وزیر امور خارجه در همچو موفی که دولت روس و انگلیس نهایت مخالفت را بهر تلامی که از طرف شه سابق در رجیت بایران بشود خواهند کرد خیلی حیرت خیز است ولی باید از نظر دور نداشت وقتی که شاه مخلص از ( اودسا ) درار کرد وبا خود بسته های توب و بانوان آب معدن از کرکات روسیه ناشتی روس از دریای خزر گذراید وزارت خارجه روس بکلی اظهار بی اطلاعی کردو نهایت تاسف را از این خلاف کاری ظاهر نمود من هم حاضریم که باور کنم که وزارت خارجه روس کال بی اطلاعی را از کاری که پیش چشم صاحب منصبان روسیه شده داشت و این قسم اتفاقات غریبه هم سابق در روسیه پیش آمده است ، در این موقع چیزی را که میخواهم بگویم یکم این است از نقای که همیشه اطلاعات صحیحه دارند مطلع شده ام که بحاجت سخت در این موقع به همراهی روس ها می شود

وزیر جنگ ایران همچو میزبانه در شرف حرکت از ایران است. عضو این که با ناسالطه تبادل رای کرده، اشاع ایران را مطرح مذاکره با گابینه های روس و انگلیس نماید؛ دوستان ایران این ماموریت را با اشتیاق و توجه تمام مراقب خواهند بود، امید دارند که کمال مساعدت و هم دودی باین ماموریت نشان داده شود و در این بین شاهزاده عین الدوله که شخص با استخوان و باکایت گابینه عالی است نکال خوبی میتواند از عهده اوضاع و امور ایران براند بشرطی که دیپلوماسی انگلیس و روس با ایشان مساعدت نماید.

مقرر پنج رئیس گابینه پارلمان ایران (پذیرائی عید نو روز دو سفارت لندن)

روز ۲۱ مارس که اول بهار و عید نو روز کیانی بود بواسطه مطابق بودن با روز شهادت حضرت عباسی که روز عزاداری انگلیسها بود آقای مشیر الملک وزیر مختار روز پذیرائی را حسب الضرورت به ۲۸ مارس گذاشتند و در آن روز پذیرائی شایانی در سفارت بعمل آمد تمام طالار و اطرافها با گلهای رنگارنگ مزین و اقسام شیرینی و شربت و چای مهیا شده بود وزیر مختار با اعضای سفارت از ساعت دو بعد از ظهر الی ساعت هشت مشغول پذیرائی بودند تمام شاگردهای ایرانی با لباسهای مخصوص مدرسه که قریب بیست نفر بودند با معلمین شان در آن روز حاضر بودند و دوستان و آشنایان از انگلیسها دسته دسته آمده تبریک عید نموده صرف شربت و شیرینی می نمودند متجاوز از دوست نفر در آن روز جمعیت در سفارت بود حضور شاگردان خیلی اثر خوبی نمود جاب توجه مخصوص تمام طبقات انگلیسها را کرده بود

قتل از روزنامه چهره بنا

(منظومه مصری)

ز ابوت و نجات دول آشنا

در این هفته که برید (بست) اروپا رسید و جراید

محمد علی را بایران براند؛ چیزی که لازم است برای برآمدن اساس این آتیریک ما که دیگر تجدیدش غیر ممکن بشود این است که روس و انگلیس آشکارا اعلان کنند که شاه مخلوع که دولت ایران در تحت حفاظت آنها گذاشته است هیچ وجه دیگر ما اورا شاه نمیخواهیم شناختند؛ در خصوص سالارالدوله جواب سر ادورد کری چندان اطمینان بخش نیست زیرا که از جواب سر ادورد کری همچو توهم مبرود که جز در رحمت محمد علی مبرزا بواقعات دیگر در شمال ایران چندان اهمیت نمی دهد

چون بای تحت ابراهیم در شمال واقع است این مسلک خیلی بد است مگر اینکه به تقسیم ابراهیم حاضر باشیم

میخواهیم بدانیم آیا وزیر خارجه از تصمیم و مسلک ۱۹۰۹ برگشته است؛ یلتیک ما در آنوقت در اعلام رسمی که در مطبوعات ۲۵ فوریه شد و هم چنین در جوابی کتبی وزیر امور خارجه به ستر دیلن، در ۲۳ همان ماه داده شد صریح و آشکار این طور مینموده بود؛ که هیچ ترضی به ایران داده نشود مگر بصوابید مجلس؛ به دولت ابراهیم هیچ قسم همراهی نشود مگر اینکه دولت مشروطه در کار باشد؛ و این اوقات بود که شاه مخلوع در سرتحت بود؛ در اینوقت صورت قانونی دولت ایران دولت کونستی تومپوز، است که مرکز و محورش مجلس وکلاء است؛ با وجود این اصول اساسیه دولت مشروطه را دولتی روس و انگلیس ملحوظ نکرده و رای خود را در امور ایران رای قطعی قرار داده اند؛

اگر دولتی واقعا میخواهند طالع از آتیریک در ایران بشوند مسلک شان تقریباً واضح است؛ این مسلم است که ظلم ما و تعدیات بی حصر سلاطین ایران بود که مملکت را بشرف خراب آورد؛ و برگشت آن اوضاع غیر ممکن است اگر استخلاص ایران منظور است؛ همراهی انگلیس و روس در امور ایران باید از روی خط صحیح و سالمی باشد

و مجله های اروپا خوانده شد. مهم ترین بحث آنها از  
افکار سیاسی دربار جدید ژاپن در باره استقبال  
دولت آسیا بود که ما هم محض اطلاع خواننده گان  
گرام جهره. عسا بترجه آنها می پردازیم -

بنا بر اشارات اخیر ژاپنیان میگویند. انتهای  
حرام اروپائیان این است که به تشکیل یک قشون  
صائبی که از ابتدای انتهای آسیا فرو گیرد موفق  
آیند و سکنه این قطعه نیمه وال از تیغ پدیدار  
عدم رهسپار کنند. و مقدمه این مقصود منحوس  
همین حرکت قشون بالکان بوده که با همی فوق تصور  
به پشت گرمی دول اروپا به نجات ایله خود تعقیب  
کرده و با صدای زنگ کلیسیاها را به از در آورده  
اند. و با فتح فضاخ مسلمانان آن مرز و بوم را  
کشتار میکنند. چنانچه بگونه اضایح وحشیانه و کشتار  
مدهش را با تاریخ عهد حاضر نشان میدهد که  
در بازارهای مکتوبی دول بالکان بملک اسلام حریف  
داشته و میدارد و این حرکت وحشیانه در تمام  
ژاپن اربدی بخشیده و بدوای ناشکیب ژاپنیان  
للی ناشکیب نشسته این است که ژاپنیان بر آراین  
مشاهدات مؤثره قیام عاجل کرده که تمام آسیا را  
دعوت کنند که برای حفظ اوطان مقدسه خود تحت  
سلاح آیند -

ژاپنیان با اضطراب جدیدی دوجار شده و متحداً  
برای یک مقصود منیدی قیام کرده اند که بلا تاخیر  
بموقع اجرا گذارند و منزها جهد را در این کار  
میدول داشته و مقصود شان این است که ارباب  
ژاپن و صاحبان غیرت و سیاست انجمنهای مهمه  
تشکیل داده باختصاص انجمن خود میخوانند. ( مؤتمر  
آسیای ) احداث کنند و فروغانی در تمام بلاد ژاپن  
متوج دارند و سپس نمایندگان ماهر زبان دان عالم  
سیاسی از ممالک ژاپن بممالک دول آسیا فرستند  
که در تمام بلاد آسیا شعبه از مؤتمر آسیای آنها  
تایر کردد و در این ضمن چون شعبه از این مؤتمر  
در آسیا باز شد مراکز مهمی احداث میکنند و  
به اروپا نامه ( اتحاد آسیای ) بنامند ( جهره نما

ما با ژاپنیان هم عقده و بالغ بر پنج سالست در این  
زمینه سخن رانده ایم )

( موسیوهایانو ) که یک از محروین نامی مسلم  
ژاپنست برای مقدمه این مقصود که اذهان تمام  
اهالی آسیا را بدین مقصود نزدیک کند کتساب  
مهمی باسم ( آسیا در خطرات است ) تالیف  
کرده و تمام نکات سیاسی ای که راجع بدول و ملک  
آسیاست بیان کرده و ازین کتاب هزارها منبع  
و باطراف عالم فرستاده اینک ( موسیوهایانو کفا )  
ژاپنی که باسلامبول رسیده این کتابرا مشغول  
بترجمه است

موافق کتاب ( آسیا در خطر است ) یگان  
یگان از تواریخ ماعدات و تسلیات دول اروپا  
نسبت بدول آسیا و خیالات نالک این ممالک  
آسیای و تحت زقیم آوردن مردم مشرق زمین  
و علاج مخازرات قریبه بوجهی بسیار متین اضاح  
میناید متدینا میگردد اعظم ممالک آسیا ممالک و دولت  
ژاپن و دولت عثمانی است و این دو دولت از  
حیث وسعت مملکت و کثرت قشون سایرین  
سبقت دارند بجز دولت چین و باید اول معاهده  
محکمی میان این دو دولت بسته گردد و میگردد عثمانی  
و سایر دول آسیای میتوانند بواسطه اتحاد ژاپن  
خود را از مخازرات آینده محفوظ دارند و  
و ملبونها ابتاع آنها در ممالک آباقی خود در زیر  
لوی حریت و آزادی زندگی نمایند و ممالک شورا  
رو بترقدم گذارند و این دول و امارات آسیای  
عبارت از دولت چین و عثمانی و ایران و افغان  
و هند چین و جاره خوانند بود در انتها کتاب  
شیر ژاپن میگردد برای حاضر شدن اذهان اهالی  
آسیا باید ارباب جرابد که ضامن روح حریت و  
قلم شان ارباب بالغه در نزد قابضین تمام درافت  
امور دارد با انتشار این مقدمات اقدام نمایند و  
صاحبات صحائف خود را بشر این مقصود مقدس  
ملون نمایند



فتاوی حجج اسلام در نقل جناز

( یا خلاصه مکتوب کراچی )

( نمبر ۱ )

درجبرده ( سند گزت ) منظمه کراچی در صفحه چهارم از ۳۱ مارچ ۱۹۱۳ مقاله خوش مضمونی نکاشته و صورت فتاوی حجج اسلام عراق را با آن لغت ترجمه و نشر ساخته است .

در خصوص حرمت نقل جناز میت از محل موتش بجای دیگر در صورتیکه این عمل مستلزم بشود بدبوئی جناز را یا متلاشی شدن اعضای او را یا هتک احرام او یا ضرر زنده گارا یا آنکه باعث نبش قبر آن بشود -

البته در این صورتها نقل آنجناز بهیچ بلدی روا نباشد حتی بسوی مشاهد مشرفه ائمه علیهم السلام و چنانچه فتاوی اکثر بلکه تمام علمای مذهب جنوری از قدیم تا کنون بر این بوده است و از فتاوی تازه حجج اسلامیه عراق نیز همین مفهوم میشود البته ترجمه و نشر این فتاوی در تمام مطبوعات اسلامی و غیرها بهر زبان لازم است ، زیرا که جمله از عوام این فرقه حقه از کثرت محبت بخاندان عصمت م و نادانی آنها محدود شرعیه بسکه افراط و تفریط در این امر نموده و میبایند بسلاوه ضرر های داخلی و تجاوز از حدود شرع شریف سب طینه احباب تعذیب دستان شده اند ، چه آنکه اغیار همواره نسبت اینگونه مطالب را بارقه حقه بلهای مذهب میدهند با اینکه دامن هر دو ازین اقراآت منزله است ، پس مناسب همین است که بواسطه مطبوعات داخلی و خارجی این احکام معانه حجج اسلام را بهر زبان ترجمه و نشر شود -

علمای اعلام ما اگر چه در کتب فقهیه خود محرم نقل جناز را در صورتی سابقه الذکر نوشته اند حتی اینکه شیخ جلیل صاحب جواهر الکلام دو متن نجات العباد در اینمسله حکم بحرمت را می نویسد تمام علمای زمان ایشان تا زمان ما که بر حاشیه آن فتاوی خود را نکاشته اند این حکم را امضا وبدون اختلاف گذارده اند ،

مانند مرحوم شیخ مرتضی انصاری و مرحوم میرزای شیرازی و مرحوم آیت الله خراسانی و

جناب آقا میرزا محمد تقی شیرازی و آقا صدر و آقا سید محمد کاظم بزدی و غیر ایشان -

بلی بواسطه اموال بحسابیکه هر ساله حکومت عثمان از این عمل میبرد با استمداد سابق آنحکومت و یضمیمه اسباب دیگر کسرا جرعی نبود که برده از روی اینمسله همه بر دارد و بسبب مطبوعات عمومی عوام هر جای را آگاه بنماید -

تا اینکه در ماه شبان ۱۹۳۱ آوازه این مسئله از ناحیه عثمانیات غالبات بلند شد و جوابهای حجج اسلام از سئوالهای عوام بواسطه مطبوعات عراق پاکتر آفاق انتشار یافت -

اداره جبل المتین در عالم اصلاح اسلامیان خلی و خواهن صاحب مکتوب کراچی ترجمه آن-نوال و جواب هارا از جریده شریفه ( المصباح ) منطبقه بنداد برای خوانندگان محترم نشر میسازد -

( ترجمه )

حجج الاسلاما - آیا جنازات در شریعت حرام نقل کردن جنازه بسوی مشاهد مبارکه با احتیاج آن امر هتک احرام میت یا بدبوئی آن یا فرق اجزای بدن آن و یا آنکه نقل آن جایز نیست دو این صورتها ؟ ما را از رای حقیقی خودتان مطلع فرمائید -

دیگر آنکه آیا جایز است نقل جنازه پس از دفن آن اگر چه بطور امانت که متداول است باشد و یا آنکه در اینصورت هم نبش قبر جایز نیست ؟ ( جواب اول )

از حضرت حجة الاسلام آیت الله خراسانی آقاى آخوند ملا محمد کاظم قدس الله روحه -

( بسم الله الرحمن الرحيم )

در صورتهای مزبوره نقل جایز نیست و همچنین در صورتیکه دفن نموده باشند ، اما در صورتیکه دفن شرعی نشده باشد میتواند نقل بنمایند بشرط اینکه مستلزم نباشد هتک را والله التام ، حرره الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی -

( ترجمه جواب دوم )

از حضرت حجة الاسلام آیت الله مازندرانی آقاى حاجی شیخ عبدالله قدس الله روحه

( بسم الله الرحمن الرحيم )

شکی نیست که دراصل دفن میت واجب است و



تعمیل در دفن مستحب است ولیکن تسبیل در نجسیت و فوریت دفن وقتی واجب میشوند که باقی ماندن میت سبب تعفن او یا تلاشی شدن او یا هتك او تاذیت مرگت باشد پس در این صورنها واجب است دفن فوری و هرگاه دفن فوری واجب بشود تاخیر دفن و نقل میت حرام و ناجیز خواهد بود و هرگاه میت وصیت هم نموده باشد بنقل جنازه اش در این صورنها جایز نخواهد بود، زیرا که وصیت نمود نخواهد کرد در ترك واجبات یا فعل محرمات و اما مسئله امانت گذاشتن میت آنگاه بیرون آوردن او و نقل جنازه اش با اینکه استخوان شده باشد پس علم بحکم آن را ندارم !! والله العالم

( حرره الحائمی عبداقده از لدنای )

( ترجمه جواب سوم )

از حضرت حجة الاسلام آیت الله کاشانی آقای حاجی سید مصطفی دام ظلّه العالی -

( بسم الله الرحمن الرحيم )

حل جنازه اگر چه بسوی مشاهد مشرفه باشد هر گاه مستلزم بشود امور مذکوره و جایز نیست نزد علمای ما رضوان الله علیهم مگر نزد شاد و نادر از آنها و سزاوار اینست که هیچ کس شکی و اشکالی نداشته باشد در حرام بودن این عمل، چه آنکه معلوم است که غرض صاحب شریعت علیه السلام از واجب نمودن دفن و واجب نمودن اینکه باید کودی قبر اندازه باشد که بیوشاند بوی مرده را و ناکیدانی که در شرع اقدس وارد شده است در زود بر داشتن میت و تعجیل دفن او و اینکه حرمت زمین پس از فوتش مانند حرمت او است در حال حیانتش، تمام اینها فقط برای حفظ احترام مؤمن و پوشیدن بوی گنده جنازه او است و اینکه مردم نتوانند تفرات و بد شکلی او را بعد الموت، که باعث نفرت قلوب از او و هتك احترام او شود پس بنا بر این تاخیر دفن او تا اینکه آن حالات بر او مارض شود منافی خواهد بود با غرض شارع اسلام و هرگاه در کلمات اصحاب حکم یا استحباب تعجیل در دفن هم دیده شود که از آن فهمیده شود جواز تاخیر پس بدو سببیکه آن حکم ایشان در غیر صورتهای مذکوره در سؤال است، و مخصوص بصورت محفوظ و مایون بودن جنازه است از هر دو آن جاهای

ناگوار و گرنه در صورت احتمال عروض این احوال واجب خواهد بود تسبیل دفن چنانچه جماعتی از بزرگان علمای ما بهین مطلب تصریح فرموده اند با اینکه واجبات نجسیت میت از قبیل کفن و سد و کافور و غیر آنها از واجبات مهمه ساقط و متروک میشود در صوریکه انتظار آنها باعث عنوت میت یا هتك حرمت او یا تلاشی جدا او بنود بلکه در این صورت فعل همین واجبات مهمه حرام و ناروا میشود، چنانچه هرگاه کسی از جراحتهای بسیار یا از مرض آبله جنازه اش بطوری است که اگر او را غسل بدهند پوست گوشه‌های او قدری ریخته میشود بالاتفاق غسل از این جنازه ساقط بلکه حرام میشود و باید قنانت بتیمم و خاک پاشیدن بر آن نمود -

پس هر گاه رعایت عروض حالت‌های ناپسند بر جنازه مؤمن این اندازه اهمیت را داشته باشد که بر واجبات تعجیل تقدم جوید مانند غسل و تکمین و تحنيط را ساقط و متروک بدازد پس چنانکه خواهی کرد بمسئلات مانند بسوی مشاهد مشرفه ائمه علیه السلام ایتمه چیزی که از رعایت واجبات لازم تر باشد از رعایت مستحبات لازم تر خواهد بود -

و اما بعض احادیثیکه برخاسته‌اند بان بیهانید برای روا داشتن این حالت‌های ناگوار بر جنازه‌های مؤمنین اختیار، پس باید دانست که آن اخبار بعضی ضعیف السند هستند و بعضی بی دلالت بر مقصود ایشان و با تصور سنده دلالت آنها مارض قوی هم دارند یعنی اخباریکه منع مینمایند از نقل جنازه و نیش قبر آن، و دیگر آنکه همان اخبار ضعیفه نیز نظرش با تصورتهای مذکوره در سؤال است و البته منصرف از آنست -

و اما استدلال برخی باده توسل و شفاعت خایی از هر امامان شرافت دهنده گان آن عتبات عالیه علیهم السلام، پس خوب است، ولیکن این نکته نباید مخفی بماند که توسل و استئناح بی شك بایستی که بر وجهی حاصل شود که روا و مشروع باشد و هرگاه ثابت شد که نقل در صورتهای گذشته ناروا و مخالف شریعت طاهره است پس چگونه میتوان توسل و شفاعت خواهی بذریعه آن نمود -

پس بنا بر آنچه که گذشتیم ظاهر شد حال وصیت

و اینکه میت هرگاه در مال حیات خود وصیت نماید  
بقل جنازه اش در صورتی که نقل مستلزم عروض  
آن حالات نبیند شود وصیت او اصلاً باطل و مهمل  
است زیرا که وصیت بامر حرام و غیره شروع نموده  
و مطلقاً وصیت بامر حرام نافذ و معمول نخواهد  
شد اگر چه طاقلاً بشویم بنفوذ وصیت میت در امر  
دفن خودش -

و اما نقل جنازه بعد از دفن آن پس او نیز  
جایز نخواهد بود در صورتیکه مستلزم نبش قبر شود  
اگر چه نقل بسوی مشاهده محترمه باشد -

و اما امانت گذاردن میت که در این زمانها متداول  
شده است پس ظاهر آن است که این کاری است  
تازه بدید و در زمان های سابق ابداً نام و نشانی  
از آن نبوده است و روا دانستن آن هم خیلی  
مشکل است زیرا که حالتی از دو صورت بیرون نیست  
یا اینکه در حقیقت دفن می باشد یا دفن نمی باشد -  
هرگاه دفن شرعی باشد پس چرا واجبات دفن  
در او مراعات می شود از قبیل استقبال قبله و غیره باینکه  
هرگاه دفن باشد پس بعد از دفن را چگونه در آن جایز و روا  
میدانند با اینکه نقل میت از محل او حرمتش ذکر  
شد و هرگاه دفن نباشد شرعاً پس خواهیم گفت  
که واگذارن جنان مومن بدون دفن در این مدت  
مدیده تا اینکه بوسید و گندیده و گوشت و استخوان  
هایش از هم پائیده شود برای نقل نمودن  
استخوانهای تکبیر و خستکیده او البته شرع شریف  
و ناپسند و باعث استکفاف بسیار است

پس زوشن در خاطر حقیر آنستکه این عمل  
هم حرام و نارواست و هرگاه توضیح این مسئله  
و اکاملاً بخواهیم با استدلال کامل البته مقام و  
فرصت دیگری را محتاج هستیم

والله العالم حرره الحائمی مصطفی الحسینی  
الکاشانی

( ترجمه جواب چهارم )

از حضرت حجة الاسلام شیخ المجتهدین الاعلام  
آقای شیخ الشریعه اصفهانی دام ظلّه العالی

( بسم الله الرحمن الرحیم )

اما نقل جنازه که منجر بشود بصورتها مذکور  
در سؤال پس مشهور در میان قهای بزرگان  
ما حرام بودن و ناروائی آنست و همین حکم هم

از ادله این مسئله و احادیث و ائمه اطهار نیز  
ظاهر و روشن میشود

و از این روستکه بعضی مانند شیخ شهید  
در کتاب ( ذکری ) مقید فرموده اند استحباب نقل  
میت را سوی مشاهده مشرفه بچند قید و از آنجمله  
است نزدیکی محل نقل و خوف نداشتن از حصول  
هتك حرمت

و بعضی دیگر مانند ( ابن ادویس ) و محقق  
نانی و شهید نانی و غیر ایشان قید فرموده اند  
استحباب نقل را بصورتیکه خوف فساد نباشد یعنی  
خوف فساد هیئت میت یا فساد بوی او و بعضی  
بزرگان علما ادعای ظهور اجسام و اتفاق قهرا را  
نموده است در قید استحباب نقل بصورتیکه  
تطیل میت منجر نشود نظیر بوی او یا هتك  
احرامش و البته فرصتی مرا میگذارد که وفا  
بحق این مسئله تمام و تمام را در استدلال و  
توضیح مقال خوب جولان بدم با که در سبیل  
احمال نیز فرصت تشریح و توضیح را ندارم ولیکن  
در مقام قناعت اکتفای به این نکته را سزاوار  
میدانم که نقل جنازه مشاهده مبارکه غایب امرش  
استحباب است نه وجوب، پس عملیکه غایتش استحباب  
است چگونه متروک نشود در صورتیکه مراعات آن  
واجبات مهمه متروک بشود ( زیرا که مراعات احترام  
میت و حفظ جنه او از فساد بوی و تلاشی از  
واجبات خیلی مهمه است که هرگاه مزاحمت نماید  
همین یکمطاب با غسل یا با کفن یا با دفن که هر یک  
اینها از واجبات موقده هستند البته غسل و کفن  
و دفن همه ساقط و متروک میشوند محض بجهت  
مراعات احترام میت و حفظ او از گندیده شدن  
یا تلاشی، پس هرگاه انخطاب عظیم باین اندازه در  
مظر شارع اسلام چگونه رعایتش لازم تر از رعایت  
استحباب میشود و نقل مشاهده مشرفه غایتش استحباب  
ست و از برای اشاره با اهمیت واجبات دفن این  
چند مطلب ذکر میشود

غسل میت چندان مهیا که هرگاه از برای میت  
غسل دهند آنستکه مثل او باشد در دین و محرم  
یا هم باشد یافت نشود غسل متروک نمیشود و میت  
را نیز معطل نباید گذاشت بلکه مقتضای صریح

اخبار صحیحه و فتاوی علمای دین هرگاه يك يهودی یا نصرانی که در رجولیت یا انوثیت مانند میت باشند حاضر شوند فوراً ماها باید آمیت را غسل دهند اگر این مه میت را بدون غسل دفن کنند و انتظار نکنند یا قفن مائل را برای غسل تا مبدا که فساد بوی در میت حاصل شود و همچنین دفن نیز از میت سلسط میشود هرگاه ممکن از دفن سبب تعطیل آن بشود چنانچه اگر کسی در کشتی بمیرد و بزودی رسیدن بساحل مقدور شان نباشد و احتمال فساد بوی در آمیت باشد البته بر حسب اخبار و کلمات آنها این است که چیزهای سنگین بیای او بسته و او را بدویا اندازند

و بدوستانیکه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ملامت فرمودند کسانی را که حضرت زید بن علی بن الحسین را از دار باین آورده و دفن کرده بود فرمودند بانها که میخواستید پای عمریم زید آهن بندید و او را در هر نرات شرفش سازید و از دفن چشم پوشید تا اینکه احرامش محفوظ باشد و بی امیه جسد يك او را از زیر خاک بریاورند و آرا با آتش بسوزانند

غرض اینست که دفن در خاک با اینکه از اعظم واجبات میت است بملاحظه حفظ احترام میت و حفظ بدنتش و از فساد سلسط و موقوف میشود تا چه رسد بمستحبارا

و هرگاه کفن نمودن میت مقدور نباشد باینستیکه انتظار کفن نماید او را مبدا بسبب تاخیر فساد در جنازه حاصل شود بلکه واجب است بکفن او را دفن نماید و از این قبیل مصائب بسیار است که واضح میباشد وجوب فوریت دفن در صورت احتمال فساد بوی باتلاشی یا هتک میت دفن را پس با این همه دلالت واضحه آیا بجا این هست که کسی خلاف آرا احتمال دهد یا بگوید سکه تاخیر دفن بملاحظه استحباب نقل روا میباشد؟ اگر چه خوف فساد بوی بود بامظنه تلاشی اعضای این باشد و آن گونه مجوزات و استصحابات بان میباشد که کسی بگوید جزا است تاخیر دفن بامظنه فساد بود پاشیده کاعضا؟ محض برای انتظار جری بدین که گذاردن آن در زیر بیل میت مستحب و مایه تخفیف عذاب قبر است و بدوستانیکه هیچکس

این حکم را روا نخواهد دانست ( این گشگوها همه در صورتیکه تنها بملاحظه هتک احترام میت نبود و اما اگر نقل میت یا امت اذیت قافله و از بوی آن مردم متاثری شوند یا آنکه اسباب تواید مرض شود بمکامیکه جاره آن نشود و راه فارغ از عابرین هم نباشد پس باجماع تمامی علمای اسلام این عمل حرام خواهد بود و هیچکس را ذر آن خلافی نیست

اما نیش میت بد از دفن برای نقل بسوی مشاهده مشرفه پس اقوی تحریم و نا جائز بودن آنست

و اما امانت سپردن میت را در خاک چنانچه متداول شده است پس هرگاه دفن بر آن گذشته شود پس بیرون آوردن میت بد از آن نیش خواهد بود و حرام است

و هرگاه نیش بر آفت گشته نشود البته باقی گذاشتن میت بدون دفن حرام و ناروا خواهد بود و واجب خواهد تمیز آن امانت بدفن  
والله العالم حرره العابدین قبح الله التنجفی الاصفهانی  
( ترجمه جواب پنجم )

از حضرت مستجاب حقا الامام مرجع الاعلام آقای حاجی شیخ حسین نجیل مرحوم حجه الاسلام آقای شیخ زین العابدین المازندرانی حائری دام ظلّه العالی

( بسم الله وله الحمد )

در فرض صورتهای سؤال عمل ابوات جائز نیست و در غیر آنصورتها نیز با عدم امانت و هتک و نیش هم احوط ترك آنست مطلقاً والله العالم حرره محمد حسین بن زین العابدین المازندرانی

مکتوب يك از معتدین در سجاد

( لوحی تبریاتی )

این ایام اخباری بنام توفیق مطبوعه تبریز مورخه ۴ صفر شماره ۳ بملاحظه شد که خلاصه مطالب آن این است که جمعی از مجتهدین و محترمین و صاحبان القاب و بعضی کلانتران ایل شاهسون در تلگرافخانه حاضر شده بامر نجیب و اهالی ماهران و بعضی تجار و صاحبان القاب در شکایب از کاپینه

بودند این همه هیاهوی وطن پرستی از معدودی بود که هنوز خون آنها پاک و دین آنها درم و دینار نه بود حب وطن در آنها نغز بود بالاخره بمقتضای ( ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله وانا بل احياء عند ربهم يرزقون ) بشهادت نایل شدند -

باقی رؤساء و صاحبان القاب بنهایت بی غیرتی و بی شرفی ایران را به باد دادند لیباب بواتبک خارجه شده رغتی و فقیر آذر بایحان رحم نکرده بحیثه ریاست دو روزه و رشوه خوردن و خون ابناء وطن را مکیدن چه کارها نکرده تنگ ادبی بر خود نهاده حالاً مجدداً حاضر شده که استقلال و تجزیه آذر بایحان را برای دولت شال همرا نماید . اگر چه تجزیه شده دیگر نه خون در بدن ماها باقی مانده که نمکند نه ثروت برای ایرانی مانده که برمایند ، همسایگان جدآ در تمام ایران کار میکنند ، میخواهند آنچه را بنام نفوذ و سرحدیت قبول نموده عملاً تصرف نمایند رؤسای آذر بایحان نقشه انقاب جدید و بهانه دادن به همسایگان را میکشند این دو روزه باقی مانده عمر ایران را مختاری با غیر مختاری هر کس میخواهد حکومت نماید ، ملت دیگر اسباب کار و بازچه کسی نخواهد شد ، مسلم است مختاریها در حایت انگلیسها میباشد و با رؤسای ایلات خسته نیز عهد و پیمان دارند ، و از اخبارات و احوال در جاهای که حکومت دارند در نهایت سختی و بطایف نار آورده جز دخل و تحصیل پول قصدی ندارند همین خیال که ثروت بی اندازه تحصیل نموده بالاخره در زوال ایران نیز همسایه جنوب همچو قومی که همزوت و هم استصداق دارند محتاج میباشد ، نظائر آن در هندوستان بسیار است ، اقوام افریدی وزیر و غیره یا حیدر آباد دکن که هنوز نام حکومت بر آنهاست اگر چه همسایه شال محتاج باین بهانهها نیست ، مقصود این است که از پیشرفت امثال سعد الدوله و شاه مخلوع و مرتجعین آذر بایحان نفوذ دولت شال در کلیه ایران پیشرفت خواهد نمود نه این است این تنگ بر قامیه آذر بایحان نایت است اگر معدود باشند که واقعا صاحب دین و حب وطن و غیرت و شرف قومیت را دارا باشند در زاویه خول از ترس مستبدین بی رحم و حامیان

سرکار مغایره نموده میکنند چرا باید امر و نهی و وزارت های ایران و حکومت اغلب بلدان منحصر بحضرات مختاری باشد و محض خدمت بابا ، وطن دامن غیرت و همت بالا زده عموم ایرانیان وطن پرست را دعوت به همراهی خود نموده خاصه کلانتران شاهسون که تشکیات خود را بواسطه قونسولات خارجه پیش نموده پس از شرحی تمجید از غیرت و مردانگی خود قدیمآ جدیدآ بالاخره سعد الدوله را بجهت ریاست وزارت تمنا نموده و خلع مختاریان را خواسته در صورت عدم پیشرفت حاضر شدند که بطهران آمده مختاریان را خارج نمایند و و و و و و -

هرگاه تمنا ریاست جناب سعد الدوله را نکرده بودند شاید مردم ساده لوح باور میکردند که این مردم واقعا مایل باسایش عمومی و اصلاح حال دولت می باشند و میخواهند ملت ایران از فشار ظلم و استیلای مختاریان نجات دهند ، جای افسوس است که برای هر جاهل طای ظاهر شده که تمام نقشه ترسبانی است که سعد الدوله و سایر اعوان محمد علی میرزا ترسیم نموده بچاره اهالی ایران دیگر نه قوه دارند نه خون نه هستی در بدو امر که تمام ملت ادنی و اعلی از حرکات دولتبان که هر روز قطه از خاک وطن را به اجانب داده بولی گرفته شکم خود را بر میکردند یا مبلغی گرفته امتیاز میشه می میدادند یا مبلغی قرض کرده خرج عیاشی و بدنامی در اروپا مینمودند یا شهر هارا تقدیم گرفته بحکام جابر ستمکار مینورختند تمام ملت یا فرار کرده در شهر های خارجه توطن کرده از شر این سیاع ضاره آسوده میشدند هر چند اسم مجلس شورای مشروطه عدالت شنیده شد بخصوص که از خاک پاک آذر بایحان این صدای روح افزای بمساع قلوب عموم روی زمین رسیده و دو سال بادولت جدآ مقاومت نموده مردم خیال میکردند این هفت آذر بایحان است که رجال و نساء و اطفال او همه جنگ جو ، همه غیور ، همه شایق وطن همه صاحب علم که در جوار خارجه تربیت یافته ، لذا تمام ملت ایران در اطاعت تبریزیان فوری الامثال اغلب در ایجاد قوانین که از شهر ها وای میخواهند رای خود را ملوط برای تبریزیان نموده تبریز را پشت و پناه ایران میخواهند ، آه افسوس که غلط فهمیده



### آگاهی

شرحی در چند نوبه جریده (توفیق) راجع باظهار وطن پرستی و نوع دوستی ملت فلکزده (ایران) درج افتاده بود این توفیق از کی و کجا رفیق ایران و ایرانیان شده است ما را در زمان ابالت (سپهدار اعظم)

گاهی توفیق هم که رفیق ایران میشود توفیق سپهداری است اما همین قدر میدانم این توفیقات ایران را محالت بی حاکم و مدبختی انداخته است ای کاش توفیق رفیق ایران نمیشد

اگر فدائیان عوالم مدیته و کشکان طریقه اخوت توفیقی برای ایران میخواهند توفیق (رحمان) بوز نه توفیق (شیطان) !!!

عجالة اگر بخوایم توفیق رحمانی را برای ایران حاصل کنیم کشور را اب علم و عمل است بدبختی ایران همین است - هرکس میخواهد اظهار همدردی بایران کند چنان انراض شخصی نکار برده میشود که به ویرایش نتیجه میبخشد هنگام طلوع انقلاب در ایران تصرفی در که نوزبان گردید الحق اشخاصی که آن روز کر بسته در میدان مجاهدت گوی سبقت از همکنان بودند جالب انظار فدائیان عوالم انسانیت گردید که توفیق (رحمان) توان خواند ولی این توفیق حاضره کجا بود وقتی که عدل از آن اشخاص بشمع احساسات سوختند

ساکنین همان فدائیان سابقه بودند یا توفیق و رفقای این بدبختی را باعث گردیدند

اگر بخوایم احساسات اولیه (نبریزان) را بچشم دور اندیشی نگرییم خواهیم دید اگر بختیاری یاری نمیکرد ایرانی نائل باین سعادت صوری نمی گشت

امروز هم وقتی در میان هیئت جامعه ایرانیان نظر می اندازیم کسی که فریاد حفظ استقلال و آزادی میزند از میان بختیاران است

در (کیبون) انتخابات (کیست) که جالب افکار عمومی میکند و انعقاد مجلس مقدس شوروی ملی را در خواست میباشد شخص اول ایرانیست (سردار اسعد) است

کفر جرئت دم زدن ندارد لهذا حمایت کفر یازبگر میدان شده گاهی بسنرا می مارویا تلگراف میکنند

و اما فارس نیز بعضی رؤسا اسباب پیشرفت خیالات همسایه جنوب شده لکه و ننگ ابدی بر خود و مردم فارس که محل امید اهالی ایران بودند گذارده اساسی هربک از آنها و وسائط کار و ایاری خارجه در کتاب معهود که نام خادمان و خشنان ایران دران ثبت است ثبت شده صاحب حقیقی ملک و ملت آنها را بآمال خود نخواهد رساید حاصل آنکه در ایران یکثرتیست که واقصاً طالب اصلاحات مملکت و ترقی وطن باشد خیال جز پول مداخل هوای زمینی ندارند همینکه یک کابینه جدیدی تشکیل یافت فوراً مردم بیکار که اقوام یا رابطه با فلان وزیر دارند حکمی صادر کرده باوریت مبرود و شب و روز در خیالی دخل که بجه تدبیر بدانند میباشد اگر کابینه تغییر کرد فوراً تقدیمی یا تلگراف تبریک بوزیر جدید عرض کرده حکمی در باره آنت رئیس اداره و غیره صادر میبایند تا بحال این قسم بوده بعدها معلوم نیست این کابینه جدید چه قسم سلوک نمایند بختیارها یک قوه قویه همه جا همراه دارند و با آن قوه اطرافهای آنها دخل میبرند اگرچه از مرکز رؤسای ادارات نام جدا گانه مامور شده دو شهر ها هم باهم میسازند زیرا که ضدیت و رقابت محال آنها ضرر است باید همه هم رنگ باشند از انچه است که در هیچ عصری این قسم فشار ظلم بر رعایای فقیر نه بوده بر بوجوه پناهی ندارند علمای آنها کسانی که واقعا نقوی دارند مطلقاً از وی اختیار کرده کاری دولت و ملت ندارند زیرا که دیانت اسی مردم را سنجیدند آنها که غالب مرید و مرجعیت و غیره هستند ناچار باید با حکام بسازند نمایند های خارجه آنها را خوشنود میبایند که بنا دهندگان را راه نمی دهند و هرچه بر مردم فشار ظلم زیادتر باشد مسلم است بحکومت خارجه زیاد تر واجب خواهند شد، جاور دو پای ایرانی خیالی جز پول و ریاست موفقی ندارد بر کسی متبته نخواهد شد، چه سعد الدوله باشد چه بختیارها ملت هم از فشار ظلم مرده متحرک خون آنها نام شده است.



مهدی نیست اما قبل از ظهور مهدی میخواهد -  
دجال خود خواهی را بشناسد - چه بگویم  
درباره اش ( لئذ البهر )

حال ( توفیق ) مای توفیقی میتواند بختیاری  
را بختیار نشارد باید ایران خواه و استقلال طلب  
همیشه ملاحظه بکنید حاضره را بخاید و ضرر  
قلیل را برای فیض کثیر از وظایف انسانیت و  
اسلامیت بداند

ماخوذ زده ایم جام بر سنک

دیگر مزاید سنک بر جام

[ فدائی و من حاحی بهاء الواعظین طهرانی ]

( جبل المتین )

چیزی که ایران را خراب نموده ماها دسته  
بندی یا حمایت و عداوتهای شخصی است مانت  
قسم که جبل المتین بختیاری آذر باجاتیان در این  
موقع قابل است به بهاء الواعظین نگارنده این مکتوب  
هم همراه نیست و ما یقین داریم که شخص سردار  
اسد هم قابل است که همه حیا رفته ایم و این  
ملت بد بخت فلک زده ایران تا کثون تا یک  
حیث صادق تصادف نمودند ماغای بختیاریان و  
یکی از ارکان مهمه استقلال ایران میبنداریم ولی  
ایران مداری مطلقه ایشان را هم بهان درجه مغل  
استقلال میبشاریم

رقم به سر تربت شمس تبریز

دیدم دو هزار زنگبان خون ریز

هریک بزبان حال میگفت سخن

جای که بدست توست کجدار و مرز

( نقل ورقه مطبوعه جمعیت اصلاحات مهران )

ما مسلمانان خیلی از برادران اروپائی و امریکائی  
خود عقب مانده ایم علت اصلی آن عمومی نشدن  
معارف ماست متکثرین ما میدانند که با این الزباهای  
حاضر، عمومیت معارف ممکن نیست

شدت هجوم مهالك که نتیجه اجل است قهراً متفکرین  
مارا متنبه میسازد که بدون اصلاح یا تمییر القباها هیچ  
سعادت در عالم نایل نخواهیم شد

اینک جمعیتی در ایران تشکیل که بجاوت متفکرین  
تمام محالک اسلامی اقدام در این امر مهم نمایند  
از مسلمانانیکه وجدان خود را مسؤل سعادت

( توفیق ) اگر رفیق شفیق بود باید در  
همچو موقع باریک توفیق را در اتحاد و اتفاق  
بداد و طریقه یگانگی را بزرگ ترین وسیله برای  
ایل بمقام قومیت و ملت بشمارد

چکم بیگانه بتوفیق رفیق آمده است

اما چه رفیقی که شفیق آمده است

در صورتی که توفیق میخواهد رفیق ایرانیان  
شود باید بداند که هزاران خار برای رسیدن  
بکی تحمل بلبل میشود بدلان بوستان آراسته  
بی خار نتوانند بکل وحدت رسند و بی بار نتوان  
وارد منزل اخوت شوند

فرقه اعراب به ( اشد کثرا و نفاقا )

معرفی شده بودند اما بعد از تجلیات نور احمدی  
و احساسات حضرت محمدی چنان جالب انظار  
شدید که گوش کل وجودش خارهای منیلان را  
حریر جلوه میداد حسیات احمدی هم چنان در  
کله های بوسیده بختیاری تصرف کرد که گوش احمد  
در لباس اسد جلوه گر گردیده و ابوجهل جهل  
میخواهد از میان بواسطه جاهلان بردارد

[ اسد اولاد آدم را پسر ]

[ نیک اندر ربه آدم را پدر ]

اگر هزاران خار از ایل بختیاری دیده شود  
مکل وجود اسد سعیدش میبشارد در نزد ارباب  
پیش در قوم بختیاری اگر ضرری مشاهده شود  
برای فیض کثیر و خودش قلیل است توفیق  
( رحمان ) را رفیق خود قرار میدهم و بکوری  
دیده های خناس منتان ارنجایی حقوق نشناس  
میگوئیم ( سردار اسد ) نوح نیست ولی کشتی  
شکسته غرق ایران را میخواهد بساحل نجات بیاورد  
( موسی ) نیست اما میخواهد صد فرعون  
جهل را بنیل ندامت غرق فرماید یا باستان آورد  
( عیسی ) نیست اما بمرده سی کرور ایران  
میخواهد روح قدسی بدمد و بیک لمح زنده  
فرماید

محمد نیست ولی موادی که از ناحیه مقدسه  
اش پیشنهاد میشود مانی قران را استقرار میدهد  
علی نیست ولی قلم مهجرت شمش آن اورا  
داراست که ذوالفقار در نشر اسلام داشت

### مکتوب کربلا

چند سال است خصوص از دو سال باین طرف عثمانیان علی درجه سختی متعرض اربابان هستند خصوص این سه چهار ماه که ایام زیارتی مخصوصه عرفه و عاشورا و اربعین در پیش بود نسبت به مجاور و مسافر ایرانی بشدت افزوده اند و اتباع ایرانی را بقوه جبریه که اگر شاها ایران همیشه اجنیت بودن خود را به او راق معتبره ثابت نمایند باین اسم در زبر شکنجه آورده معلوم است سند تیست از تذکره چیزی دیگر نیست، عمل تذکره هم در غیر میان ایرانیان مقید عراق عرب گرفتن بزرگترین گناه است. مثلاً در زمان سابق تذکره اقامت مجانی بود مامورین کار بردازی هر چند سی و ابن مستانه را تعاقب میکردند باز پیش رفت نمیکرد امسال که قیمت تذکره پنج تومان سه تومان ده تومان يك تومان میباشد بطریق اولانی خواهند بگیرد حق کار بردازی حاضر شد که برای رفع بهانه عثمانی تذکره های پنج تومان را یا قایان تجار در دو تومان بدهد باز شرفت نکرد و نخواهد کرد و از آن طرف هم عثمان محترم منها درجه حایت و تقویت را از دولت و مامورین دولت متوقفند که اگر کسی بآنها زیاده گوئی بود فوراً دولت قشون کشی نماید ولی در موقع اخذ تذکره که رفع تمام تعدیات و بهانه جوئی های مامورین عثمانی منوط بهمان تذکره است هزارها تکرر خواهر فراهم میباشد. صاحب مکتوب بنده امینوبند مامورین کار بردازی سر فلاش محل را نشسته هر ایرانی بدبخت را می بندد او را گرفته و بقوه قهریه مبلغ يك تومان که سرمایه زندگی پنج روز آنهاست باسم تذکره وصول میباشد بی شبهه تعدیات مامورین عثمانی را ملاحظه فرموده که به انواع مختلفه میر بچاره هارا باسم هدایت تذکره بجه بلاهای عجیب و غریب مبتلا میکنند در این موقع کار برداز چه اقدامی میتواند بکند

کار برداز برای - اوگیری از تعدیات مامورین عثمانی مکرر بحکومت عثمانی مراجعه کرده و مطلقاً اعتنا نکردند. و مذکور داشته اند که ما از اسلامبول امر داریم و شما بشارت خود را در اسلامبول یا طهران مراجعه کنید در این خصوص از طرف کار بردازی مخابرات زیادی بوزارت امور خارجه و

حالیه و آیه این يك قسمت عمده جنس بشر میدانند چاب دقت نظرشان را به جلات ذیل تناسمی نمائیم  
آیا القبا های حاضره ممالک اسلامی ناقص است یا خیر؟ در صورت تصدیق بنقص آیا رفع نواقص بوسیله اتخاذ يك تدبیری برای اصلاح عمومی ضرور است یا نه؟ آیا باز هم باید بانتظار ایام آینده اوقات گران بهای حالیه را تلف کرده یا بلا درنگ بکار مشغول شد؟ آیا که حاضر برای شروع با اقدام هستند خود را با معرفت نمایند که به تبادل افکار شروع نموده بعد از بدست آوردن زمینه مناسبی در یکی از مراکز عالم اسلامی نمایندگان ملای که دارای زبانهای مختلف هستند جمع شده در این یکجا راه ترقی و سعادت اقدام گام نمایند تا ما هم بتوانیم ببرادران اروپائی و امریکائی خود در تهیه سعادت و راحت برای نوع بشر کمک و مساعدت نمائیم  
( جمعیت اصلاحات طهران ۱۳۳۱ )

### ( جبل التین )

جامعی که باسم جمعیت اصلاحات که در طهران تشکیل یافته بدین شبهه بخیال صحیح و مصیبتی افتاده اند ولی بدوا باید این نکته را مد نظر گرفت که این خیال عالی تازه نیست و از دیر باز به سرجمی از دانیان افتاده و چون طبل مهم است سالها باید بدو به جرائد ملل مختلفه اسلامیه این مسئله موقع حل و عقد یافته بحث در آن شود تا پس از آن نتیجه افکار ظاهر شده و طریقه احسن را اتخاذ کنند از آن بعد برای تعمیم آن کافر می از نمایندگان و علمای السنه ملل مختلفه اسلامیه تشکیل و باین خدمت انجامند خوب بود که جمعیت اصلاحیه بدوا نظریات خود شارا اشاع داده تا زمینه بدست دیگران افتاده در آن بحث نمایند و چون در این ایام ما را فرصت کم است بشخصه بحث در این موضع را نتوانیم نمود، ولی برای دوج مباحثات در این موضوع حاضریم در آینده که فرصت بایم باندازه خویش بحث در این موضوع خواهیم نمود فعلاً به تشکر از این خیال عالی از اعضای جمعیت اصلاحات اکتفا مینمایم